

# درآمدی بر اصول و مبانی صنعت و فناوری اسلامی برگرفته از قرآن کریم

(نسخه پیش نویس : غیر قابل استناد)

حرف اول :

بعد از گذشت سی و سه سال از انقلاب اسلامی ایران امروزه صنایع کوچک و بزرگ فراوانی در ام القرای جهان اسلام شکل گرفته است و برخی نیازهای جامعه اسلامی را برطرف کرده است. اما به راستی این صنایع زیننده ی جامعه ای که برای برپایی احکام قرآن بنا شده است هستند؟ در این مقاله در پی آن هستیم که با کمک منبع وحیانی عظیمی مانند قرآن کریم و با کمک گرفتن از احادیث و گفته های بزرگان جهان تشیع کند و کاوی در چپستی صنعت اسلامی در حد وسع اندک خود داشته باشیم بلکه فتح بابی باشد برای بحث فقه صنعت که از لوازم هر حکومت آخرازمانی اسلامیت. در آغاز به ضرورت آغاز بحث فقه صنعت می پردازیم و در ادامه به ارتباط قرآن کریم و صنعت به معنای امروزی خواهیم پرداخت. پس از آن به مصادیق فناوری های صنعتی موجود در اسلام نگاهی می اندازیم و تلاش خواهیم کرد که از آیات الهی شاخص ها و ضوابطی برای صنعت اسلامی استخراج کنیم. در جای جای مقاله به احادیث و گفته های بزرگان جهان شیعه هم استناد خواهیم داشت و برخی از این گفته ها را ذیل شاخص های به دست آمده از قرآن کریم بررسی خواهیم کرد.

کلید واژه ها: صنعت، اسلامی، فقه، تکنولوژی، قرآن، حدیث، فن آوری

ضرورت بحث فقه صنعت

موسیقی و امثال ذلک وجود دارد، فقه پزشکی و ... نیازهای ضروری جامعه امروز ما به شمار می آید. دیدگاه مقام معظم رهبری (حفظه الله) این است که وقتی که حوزه می خواهد پیرامون فقه کار پژوهشی، آموزشی و تبلیغی انجام دهد باید همه این عرصه های جدید را مد نظر قرار دهد فقط بحث متعارف طهارت تا دیات را نباید مورد توجه قرار دهد.<sup>۲</sup>

همچنین حجت الاسلام حجت الله بیات نیز در مجله مبلغان<sup>۳</sup> می نویسد:

با توجه دقیق و همه جانبه به ارکان اعتقادی و احکام مکتب اسلام، این حقیقت اثبات می شود که ما در اسلام، فقهی که محدود و منحصر به بیان کیفیت و کمیت رابطه شخصی انسان با خدا، یعنی عبادات می باشد، نداریم؛ بلکه تمامی اعمال و شؤون حیات معقول انسانها در قلمرو فردی

تا جایی که نگارنده حقیر مطلع است اولین شخصیت معاصر که واژه فقه صنعت را به کار برد و ضرورت آن را در عصر حاضر گوشزد نمود علامه محمد تقی جعفری بود<sup>۱</sup> و بعد ها برخی از دیگر محققین نیز به ضرورت تدوین فقه صنعت اشاره کردند. از جمله حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه در مصاحبه با هفته نامه صبح صادق درباره تحول در حوزه و دیدگاه امام خامنه ای می گوید:

اکنون حوزه بیشتر در مباحث فقهی به مباحث متعارف فقهی طهارت تا دیات می پردازد، یعنی آنچه که امروز در شرح لمعه یا در شرایع وجود دارد در حالی که جامعه ما که حکومت دینی تشکیل داده به شدت نیازمند به عرصه های دیگر فقهی است، یعنی فقه توسعه، فقه صنعت، فقه تکنولوژی، فقه فرهنگ (که در درون فقه فرهنگ بحث های فقه

۲، مصاحبه با حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه، هفته نامه صبح صادق شماره

۴۷۶، سال ۱۳۸۹، ص ۱۰

۳ مصاحبه با حجت الاسلام حجت الله بیات، مجله مبلغان شماره ۱۰۰، بهمن و اسفند

۸۶ ص ۱۴۱

۱ جعفری محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۲۵، ص ۱۲۵ و فلسفه دین،

ص ۱۸۸

و اجتماعی - که یگانه عامل سعادت دنیوی و اخروی بشریت است - مشمول فقه به معنای حقیقی آن می‌باشد؛ بنابراین، فقه اسلامی شامل بخشهای زیر است:

فقه ارتباطات بین الملل، فقه صنعت، فقه سیاست، فقه فرهنگ، فقه مدیریت، فقه جهاد و دفاع، فقه علوم، فقه اکتشافات، فقه مبارزه با ظلم و فساد، فقه تشویق و تحریک به بایستگیها، فقه مبارزه با ناشایستگیها، فقه آینده نگری، فقه تکنولوژی، فقه هنر، فقه رسانه، فقه تعلیم و تربیت، فقه اطلاع رسانی، فقه تبلیغات و فقه اطلاعات به آنچه در دنیا می‌گذرد ... و

اما در باب تخصصی شدن فقه دینی نیز بزرگانی چون آیت الله حائری یزدی در صد سال پیش<sup>۴</sup> و شهید بزرگوار مرتضی مطهری<sup>۵</sup> در حدود سه دهه پیش این ضرورت را مطرح کرده اند. درباره علت و ضرورت تخصصی شدن فقه شیعه همین بس که امروزه با توجه به گسترش عرصه نویسندگی و پژوهش به قدری درباره هر یک از ابواب و موضوعات زندگی سخن های گوناگون گفته شده است که یک نفر حتی فرصت نمی کند همه آن ها را بخواند چه این که بخواهد به همه شبهات موجود در همه موضوعات پاسخ گوید و بر بحث های باز شده تحت عناوین مختلف در موضوعات گوناگون اشراف داشته باشد و بتواند با قدرت تحلیل و بررسی و تطبیق احکام دینی حکم این عناوین را استخراج کند.

شهید مطهری در این باره میگوید :

در وضع حاضر باید علماء و فقهاء این زمان، رشته‌های تخصصی بوجود آورند و مردم هم در تقلید، تبعیض کنند همان طوری که در رجوع به طبیب تبعیض می‌کنند.<sup>۶</sup>

البته توجه داشته باشید که در مقاله حاضر موضوع فقه صنعت برای اولین بار بررسی نمی شود و پیشتر بزرگانی همچون آیت الله جوادی آملی درباره دیدگاه اسلام درباره صنعت مطالب نابی را از قرآن کریم استنباط نموده اند ، به عنوان مثال ایشان می گوید :

اصل فرایند صنعتی در حکومت اسلامی ممدوح و مورد ترغیب است... مهم ترین بهره درست از صنایع پیشرفته هر عصر، عبارت است از تامین نیازهای علمی و عملی مردم آن عصر. آنچه در قرآن یاد شد، جنبه «تمثیل» دارد نه «تعیین»؛ یعنی در قرآن، مثال بهره وری صحیح از صنعت بازگو شده نه آنکه استفاده درست از صنعت، منحصر در همین چند مورد (مثالهای ذکر شده از صنعت در قرآن کریم مانند کشتی و زره و ...) باشد... استفاده از تکنولوژی در تمام امور سازنده و سودمند رواست، ولی بهره برداری از آن در امور تخریبی، و تهاجمی، و سوزنده، و کشنده، و تباہ کننده زمین، دریا، هوا، گیاهان، جانوران، انسان ها، مناطق معمور، و... هرگز روا نیست.<sup>۷</sup>

ان شاء الله این مقاله فتح بابی باشد برای بحث هایی چون:

شاخص های صنعت الهی ، اهداف صنعت اسلامی، صنایع محرمه ، اخلاق صنعتگری و حدود الهی در صنایع و ...

امام راحل عظیم الشان نیز تفاوت صنعت اسلامی را با صنعت کنونی جهان متذکر می شوند و می فرمایند :

آیا صحیح است که چون آنها موشک درست می‌کنند ما باید تابع آنها باشیم، در حالی که آنها با این صنعت‌ها دنیا را تخریب می‌کنند و ما می‌خواهیم صنعتی داشته باشیم که تخریبگر نباشد، بلکه مفید و سازنده باشد.<sup>۸</sup>

امام خامنه ای در دیدار فروردین ۸۹ با مدیران و فعالان صنعت می فرماید:

صنعت میتواند یک صنعت پیشرفته باشد، در عین حال ملاحظات دینی، ملاحظات اخلاقی، ملاحظات انسانی در صنعت کاملاً رعایت بشود. ما می‌خواهیم شما صنعتگران کشورمان، مدیران صنعت، نماد این حقیقت باشید. پایبند به دین و در همان حال و به همان استناد، پایبند به پیشرفت جهشی صنعت.<sup>۹</sup>

۷ جوادی آملی ، عبدالله؛ ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، چاپ هفتم، نشر اسراء ، قم ۱۳۸۷، ص ۱۱۳

۸ موسوی خمینی روح الله، صحیفه نور جلد ۱۸ ص ۲۱۸

۹ بیانات در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی - ۰۹/۰۱/۱۳۸۹ سایت خامنه ای دات آی آر

۴ زنجانی، احمد؛ الکلام یجبر الکلام، چاپ سوم، انتشارات حق بین، قم ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۲۴.

۵ مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، چاپ ششم، صدرا، تهران، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۲۰ و مطهری، مرتضی؛ ده گفتار، چاپ پنجم، صدرا، تهران ۱۳۶۸، ص ۱۲۳

۶ مطهری، مرتضی؛ ده گفتار، چاپ پنجم، صدرا، تهران ۱۳۶۸، ص ۱۲۵

البته اخیراً ستادی به نام صافا<sup>۱۰</sup> (صنعت ایرانی فرهنگ اسلامی) در وزارت صنایع حسب تأکیدات امام خامنه ای در دیدار مورخ ۹ فروردین ۸۹ و الزام ایشان به وزیر برای پیوست فرهنگی داشتن پروژه های صنعتی، در آبان ماه ۸۹ تاسیس شده است و برای آن اهداف خوبی نیز ترسیم شده است. حجت الاسلام علی لقمان پور مشاور فرهنگی وزیر صنایع و معادن و رییس ستاد صافا می گوید :

در قالب این طرح به دنبال دستیابی به الگوهای اسلامی در راه اندازی واحدهای صنعتی در داخل و خارج از کشور هستیم و در پی آنیم که نظر استادان حوزه های علمیه درباره چگونگی اجرای پروژه های صنعتی و معدنی از منظر دینی و اسلامی را جمع آوری کنیم. در قالب طرح صافا می خواهیم رابطه دین و صنعت را تعریف کنیم و به شناختی عمیق از احکام فقهی در حوزه صنعت و معدن دست یابیم. با اجرای طرح صافا درصددیم تا رشته های جدیدی را در حوزه های علمیه برای شناخت رابطه دین با صنعت و معدن ایجاد کنیم و پایان نامه های حوزه های علمیه را به این سمت و سو سوق دهیم<sup>۱۱</sup>...

وی همچنین در همین مصاحبه از ایجاد گرایش فقه و صنعت در دروس حوزه علمیه قم خبر داده است و می گوید :

در این مرکز با ارتباط خوبی که با حوزه علمیه قم برقرار کرده ایم به دنبال ایجاد مرکز تخصصی فقه و صنعت هستیم<sup>۱۲</sup>.

که امیدواریم ان شاء الله این ستاد نیز در سوق دادن صنعت کشور به سمت یک صنعت اسلامی و الهی توفیقات روز افزون داشته باشد.

علاوه بر ستاد صافا در فضای مجازی موسسه ای به نام موسسه فناوری های قرآنی امام جعفر صادق (علیه السلام) نیز سایتی تاسیس کرده است که خود را در این سایت<sup>۱۳</sup> چنین معرفی کرده است:

۱۰ سایت ستاد صافا :

<http://safa.mim.gov.ir>

۱۱ <http://www.gostaresonline.com/leading-article/64804-2010-11-02-21-46-59.html>

رویت شده در مهر ۹۱

۱۲ سایت وزارت صنایع و معادن، بازدید آبان ۹۱ :

<http://mimt.gov.ir/index.php?name=news&file=article&sid=44739>

۱۳ <http://www.rovzaneh.com/fa>

رویت شده در مهر ۹۱

اطلاعات دیگر ذکر شده درباره موسسه: آدرس: سبزوار، خیابان کاشفی شمالی، جنب

اداره پست، فرهنگسرای آفتاب - کدپستی: ۹۶۱۳۸۳۵۱۴۵ - صندوق پستی: ۳۳۳

تلفن: ۹-۲۲۴۴۰۰۶ فکس: ۲۲۴۴۰۰۶

چشم انداز مؤسسه: دستیابی به فناوری های روز دنیا و آینده با تکیه بر استفاده از قرآن کریم

اهداف مؤسسه: ۱. شناسایی فناوری های روز دنیا بر پایه قرآن و عترت  
۲. معرفی فناوری های موجود در قرآن به جامعه تحقیقاتی اسلامی ۳.  
تربیت قرآن پژوهان و تحویل آن به جامعه اسلامی ۴. ارائه راههای  
تقابل فرهنگی با استفاده از فناوری های قرآنی

مأموریت مؤسسه: ۱. شناسایی و معرفی مفاهیم فناوریهای قرآنی ۲. ارائه  
متدولوژی شناسایی فناوریها از طریق مطالعه منابع قرآنی ۳. تحلیل و  
مقایسه فناوریهای روز دنیا به فناوریهای استخراج شده از قرآن ۴. معرفی  
جامعه اسلامی قرآنی با استفاده از فناوریهای قرآنی به جهان ۵. آموزش و  
پرورش نیروهای قرآن پژوه

عناوین فعالیت ها: ۱. در حوزه پژوهش الف) تعریف پروژه های قرآنی به  
منظور شناسایی مفاهیم اولیه فناوری در قرآن ب) تعریف پروژه مطالعاتی  
در خصوص نگاه غرب به قرآن و مقایسه آن با نگاه مسلمانان ۲. در حوزه  
آموزش الف) آموزش مفاهیم اولیه قرآنی ب) آموزش کشف فناوری روز  
از دیدگاه قرآن

امیدواریم به زودی از این دوستان هم پژوهش ها و خروجی های  
ارزشمندی ببینیم.

عنوان فناوری اسلامی نامی است که پیشتر نیز در برخی کتابها مانند  
تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی<sup>۱۴</sup> بکار برده شده است. در واقع این کتاب  
فناوریهایی را که در دوره تمدن اسلامی در ممالک اسلامی رشد و  
توسعه یافته است بررسی کرده است و نشان داده است بسیاری  
فناوریهایی که غرب مودیانه درباره آنها هیچ اسمی از ماخذ و منبعش  
نمی برد از جهان اسلام گرفته شده است. متأسفانه کتابهای غربی در  
این زمینه با تحریف تاریخ به جای حرف از تمدن اسلامی به عنوان مبدأ  
پیشرفت تکنولوژیکشان سعی می کنند با طرح اسامی ای مانند داوینچی  
و گالیله و ارشمیدس و ... ذهن مخاطب را از فهم این که بسیاری از این  
تکنیک ها در جهان اسلام کشف شده است بازدارند. موضوع مقاله ما  
البته بحث از مصادیق تکنولوژیک بوجود آمده در دنیای اسلام نیست و  
بحث ما بیشتر مبانی مفهومی و معرفتی فناوری و صنعت اسلامی است  
نه تاریخ فناوریها و صنایع مسلمانان.

۱۴ یوسف حسن، احمد و ر. هیل، داند؛ تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی، مترجم ناصر  
موفقیان

جالب آنجاست فناوریهای تاریخی تمدن اسلامی در پیشرفته ترین سطوح خود که سامانه های آبرسانی طراحی شده توسط الجزری هستند نیز از نیروی حیوانات برای تامین انرژی سامانه خود استفاده می کردند.<sup>۱۵</sup>

ممکن است گفته شود که در حال حاضر بسیاری از صنایع کشور از صنایع غربی که در آنها انواع جهالت ها مشاهده می شود الگوبرداری شده اند و بسیاری از افراد جامعه به کاربرد این صنایع عادت کرده اند برای این مشکل چه راه حلی لازم است؟ بهترین پاسخ به این سوال را آیت الله ناصر مکارم شیرازی داده است:

مردم جهان باید به این حد از رشد اجتماعی برسند که بفهمند پیشرفت تکنولوژی الزاماً به مفهوم پیشرفت بشریت و تأمین خوشبختی انسانها نیست؛ بلکه تکنولوژی پیشرفته تنها در صورتی ضامن نیکبختی و سعادت است که زیر چتر یک سلسله اصول معنوی و انسانی استقرار یابد و آلا- همان گونه که بارها دیده‌ایم- بلا آفرین خواهد بود و مایه ویرانگری است. مردم جهان باید دریابند صنایع اگر به صورت بتی در آیند برحجم مشکلات کنونی افزوده خواهد شد و به ابعاد ویرانی و ضایعات جنگها وسعت می‌بخشد؛ بلکه باید به شکل ابزاری در آیند تحت کنترل انسانهای شایسته.<sup>۱۶</sup> قیام یک مصلح بزرگ برای استقرار عدل و آزادی در سراسر جهان هیچ گاه سبب نمی‌شود که جنبش صنعتی و ماشینی در شکل سالم و مفیدش بر چیده یا متوقف شود... ولی شک نیست این جنبش صنعتی و تکامل تکنولوژی الزاماً باید از یک صافی دقیق بگذرد تا جنبه‌های ناسالم و زینابخش آن حذف گردد، و سرانجام در مسیر منافع انسانها و صلح و عدالت بسیج شود؛ یک حکومت طرفدار حق و عدالت این کار را حتماً خواهد کرد.<sup>۱۷</sup>

استاد اصغر طاهرزاده درباره راه حل مشکل صنایع و فناوری های این عصر می گوید:

باید زندگی انسانها نظر و نسبتی با حق و حقیقت پیدا کند تا بحرانها به تعادل تبدیل شود و «عقل هدایت»، عنان عقل تکنیکی را در دست بگیرد و با علم به اعیان اشیاء، در طبیعت تصرف کند و اصالت را به عالم

۱۵ کتاب مبانی نظری و عملی مهندسی مکانیک در تمدن اسلامی، الجامع بین العلم والعمل النافع فی صناعة الحیل، تألیف: بدیع الزمان ابن العز بن اسماعیل الجزری

۱۶ مکارم شیرازی ناصر، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۲۱۴ و ۲۱۵

۱۷ مکارم شیرازی ناصر، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۲۴۳ و ۲۴۴

غیب بدهد و عالم شهادت را تابع آن بداند و گرنه بحرانها همچنان ادامه خواهد یافت.<sup>۱۸</sup>

ایشان در جای دیگری درباب ضرورت تصفیه تکنولوژی می گوید:

باید غفلت نکنیم که هر تکنولوژی بر اساس فرهنگ و هدفی خاص ساخته شده و در هر جا آورده شود ناخودآگاه روح خود را نیز با خود می‌آورد... اگر از روح حاکم بر تکنولوژی غافل شویم و بدون هیچ گزینش و کنترلی تسلیم آن گردیم از اسلام و حکومت اسلامی جز پوسته‌ای بی‌روح نخواهد ماند و زحماتی که در پدیدآوردن نظام اسلامی صرف شده با ناکامی همراه خواهد شد. که از وقوع آن به خدا پناه می‌بریم.<sup>۱۹</sup>

در جای دیگری باز هم ایشان اشاره می کنند:

اگر کسی تکنولوژی را امری خنثی تلقی کند به بدترین صورت تسلیم آن خواهد شد.<sup>۲۰</sup>

رابطه صنعت و قرآن کریم:

قرآن کریم کتاب هدایت بشر به راه حقیقی رسیدن به کمال فردی و اجتماعیهست. شکی نیست که خدای متعال که خود خالق و طراح نظام خلقت است بهتر از هر کس بر ربوبیت انسان ها در این عالم و تامین مقصود خود از خلقت آنها تواناست. از همین باب قرآن کریم که آخرین کتاب نازل شده از جانب خدای متعال است باید برای صنایع آخرالزمانی هم حرف های بدیع و عمیق و حکیمانه ای در خود جای داده باشد که به زودی خواهیم دید که حقا چنین است. قرآن کریم در باب مصادیق فن آوری هایی چون کشتی و زره و قصر و ... چنان ظرائفی را بیان کرده است که شکی نیست چراغ راه فروزانی برای هر صنعتگر مسلمانی خواهد بود.

حجت الاسلام رضایی می نویسد:

اگر قرآن سخن از "ولا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین" می فرماید و به جامعیت احکام، اعتقادات و معارف الهی اشاره می کند؛ نمی توان تصور کرد که این جامعیت، جدا از ظرف تاریخ و صرفاً برای مقطعی خاص (همچون زمان نزول وحی و تخاطب میان عبد و معبود) معنا پیدا

۱۸ طاهرزاده اصغر، فرهنگ مدرنیته و توهم ص ۷۶

۱۹ طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص ۸۹ و ۹۰

۲۰ همان ص ۹۹

می کند. اصولاً با توجه به خاتم بودن دین اسلام و بسته شدن باب وحی، این استدلال تقویت می شود؛ که احکام اسلام باید برای تمام زمان ها و شرایط اجتماعی، از قابلیت لازم برای انطباق برخوردار باشد.<sup>۲۱</sup>

هدف از صنعت در اسلام :

هدف ها را در نظام ارزشی اسلام می تواند در چند سطح نگاه کرد. مثلاً در باب انفاق شما هم می توانید بگویید هدف جلب رضایت خداست (آیه ۸ سوره مبارکه انسان "و يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا" یا آیه ی ۲۶۵ سوره مبارکه بقره "وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ اِتِّبَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ") ، هم می توانید بگویید هدف رشد خود انسان و دل کندن از دنیاست (نایل شدن به بر: سوره مبارکه آل عمران آیه ۹۲ "لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ") و هم می توانید بگویید که مبارزه با فقر و رشد و تعالی جامعه اسلامی است و همه ی این اهداف در سطوح مختلف صحیح و منطقی هستند. در باب صنعت نیز می توان هدف را در چند سطح دسته بندی کرد:

سطح یک - علامه طباطبایی در کتاب شریف المیزان در باب هدف از بکارگیری ابزارها می نویسد :

انسان هر چیزی را جهت انتفاع استخدام می کند (واجب است هر چیزی را که در طریق کمال او مؤثر است استخدام کند). به عبارتی دیگر، این ادعان است که باید به هر طریقی که ممکن است به نفع خود و برای بقای حیاتش از موجودات دیگر استفاده کند، و به هر سببی دست بزند، و بهمین جهت است که از ماده این عالم شروع کرده ، آلات و ادواتی درست می کند، تا با آن ادوات در ماده های دیگر تصرف کند، کارد و چاقو و اره و تیشه می سازد، سوزن برای خیاطی ، و ظرف برای مایعات ، و نردبان برای بالا رفتن ، و ادواتی غیر اینها می سازد، که عدد آنها از حیطة شمار بیرون است ، و از حیث ترکیب و جزئیات قابل تحدید نیست ، و نیز انواع صنعت ها و فنونی برای رسیدن به هدف هائی که در نظر دارد می سازد.<sup>۲۲</sup>

سطح دو - در نگاه دیگری می توان گفت هدف از بکارگیری فن آوری و استفاده از صنایع ساخت بشر ابتغای فضل الهیست، برای مثال خدای

متعال در این باره، هدف از نعمت کشتی برای بشر را چنین ذکر می کند :

وَ هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِنَاكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا مَلْطًا وَ تَجْرِي الْفُلُكَ مَوَازِرَ فِيهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (نحل ۱۴)

رَبُّكُمْ الَّذِي يُرْجِي لَكُمْ الْفُلُكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّه كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (اسرا ۶۶)

وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَ لِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ لِيَجْزِيَ الْفُلُكَ بِأَمْرِهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (روم ۴۶)

سطح سه - تذکر انسان : در سطح دیگری هدف از افعال صنعتی نیاز انسان به فعل از باب تذکر است مثلاً خدای متعال در ذیل آیه ی شریفه ای درباره نزول لباس برای انسان به کاربرد تذکری این لباس اشاره می کند و با تشبیه بدیع لباس تقوی و عبارت لعلهم يتذكرون به صورت کنایی کاربرد تذکری لباس را برای تقوا بیان می دارد.

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَاتِكُمْ وَ رِشَاءً وَ لِبَاسِ التَّقْوَى ذَلِكُمْ خَيْرٌ ذَلِكُمْ مِنَ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ (اعراف ۳۶)

از این آیه چنین بر می آید که برخی از محصولات صنعتی کارکرد تذکری دارند و یکی از اهداف برخی صنایع تولید محصولاتی است که انسان را به برخی مفاهیم و معانی و آموزه های الهی مانند تقوا متذکر کند. همچنین بعضی افعال انسان در کره زمین مانند عمارت بیت و مسجد ، چوپانی ، کشاورزی ، اسب سواری و ... تنها خود ساخت خانه و مسجد ، تولید محصول کشاورزی ، پرورش گوسفند ، حمل و نقل انسان و بارش به مقصد موضوعیت ندارد بلکه تذکر انسان به برخی حقایق نیز موضوعیت دارد. ممکن است این بحث حسب جدید بودن آن برای برخی دوستان مبهم باشد در ادامه به تشریح اهداف تذکری از برخی افعال انسان می پردازیم :

الف) تذکرات ناشی از عمارت بیت و مسجد :

تذکری که از عمارت بیت و مسجد انسان باید بگیرد این است که بفکر عمارت وجود خود بیافتد و همانگونه که در زمین مسجد می سازد وجود خود را نیز مسجد الهی بسازد. البته همان طور که پیشتر اشاره کردیم هدف تذکری تنها هدف نیست بلکه یکی از سطوح هدف از صنایع است که البته نباید نادیده گرفته شود و هیچگاه صرف عمارت نباید هدف

۲۱ رضایی عبدالعلی ؛ تحلیل ماهیت تکنولوژی ، ص ۳۰۶

۲۲ علامه طباطبایی سید محمد حسین ، ترجمه تفسیر المیزان جلد ۲ صفحه

انسان قرار گیرد چه این که خدای متعال درباره اقوام پیشین به این قضیه اشاره می کند که آنان در عمارت زمین از شما پیشی گرفتند و این پیشی گرفتن به معنای فضیلت بیشتر اقوام گذشته بر شما نیست. در پایان مقاله دوم ان شاء الله بحث مفصلی درباره عبارت و استعمرکم فیها خواهیم داشت.

ب) تذکرات ناشی از کشاورزی :

در بحث تذکرات ناشی از کشاورزی حرف برای گفتن زیاد است و تذکرات کشاورزی به قدری زیاد است که عموماً مردمان کشاورز روستاهای قدیم کم پیش می آمد که از بینش توحیدی فاصله بگیرند. یک کشاورز همان گونه که اثر خالقیت خدای متعال و رویاندگی زنده از مرده را در کشاورزی می بیند به همان اندازه با نگاه به آسمان و در انتظار ابرهای زنده کننده مانند درس " و فی السماء رزقکم و ما توعدون (ذاریات ۲۲)" را می آموزد حال اگر کسی برای دانستن وضع هوا به جای نگاه به آسمان به برنامه های پیش بینی وضع هوای تلویزیون نگاه کرد این نگاه دیگر اثر معنوی نگاه به آسمان و درک آیه فوق را نخواهد داشت. یقیناً بی دلیل نبوده است که همه پیامبران به جز یک پیامبر به امر زراعت اشتغال داشته اند. در کنار این قضایا کشاورز درس صبر و عجله نکردن را هم در کنار طی شدن مراحل رشد گیاه و به بار نشستن آن از نزدیک فرا می گیرد و اگر درختکاری را هم در نظر بگیریم با هرس کردن درختان کشاورز مجبور به تفکر و آینده نگری و تدبیر در آینده درختان خواهد شد و بی شک باید با در نظر گرفتن شکل آینده ی درختان از امروز به هرس آنان اقدام کند. حال اگر کشاورزی را مکانیزه کردیم و با دستگاه ها و ربات ها قضیه ی کشاورزی به جلو رفت با این که هدف مشهور فعل حاصل می شود اما انسان از کلاس درسی که قرار بود با انجام فعل کشاورزی در آن حضور یابد محروم می شود. فلذا قرآن کریم تنها اشاره ارض را که می تواند آدمی را به یاد اثاره عقل ( لیثیرو لهم دفائن العقول ۲۳) بیاندازد را هدف نمی داند و در آیه ی زیر می فرماید که بودند اقوامی پیش از شما که در اثاره ارض از شما پیشی گرفته بودند و در عین حال به نفوس خود ظالم بودند و به فکر ساخت تربیت نفوس خود و تعالی این نفوس نبودند.

أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضِ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (روم ۹)

در جای دیگری قرآن کریم برای ذکر مشخصات گاو بنی اسرائیل به ویژگی عدم اثاره زمین توسط این گاو اشاره می کند<sup>۲۴</sup> که خود نشان از به رسمیت شناختن فعل اثاره توسط گاو در بحث کشاورزیست. دقت داشته باشید در بحث اثاره با گاو آدمی پشت گاو آهن و به عنوان هادی آن قرار می گیرد و عموماً در شخم زنی با تراکتور آدم روی تراکتور نگاهش به جلوست و به فرایند شخم زنی نگاه نمی کند که این خود نشانه ای است که بشر غربی حظ خود را از مشاهده ی این فرآیندها فراموش کرده است. البته این اولین فراموشی آنها نیست و قرآن کریم با عبارت (نسو حظاً مما ذكروا به ) آنها را به خاطر فراموش کردن بهره شان از کتاب خدا و ابزار گرفتن این کتاب برای حکومت های جاهلانه بر مردم توبیخ می کند.

در جای دیگری خدای متعال آدمی را به نظاره بر رسیدن و ثمر دادن درختان میوه فرا می خواند تا نشانه های الهی را در این تغییر مشاهده کنند. شکی نیست که این نظاره فقط برای حجیت وجود خدا و یا قدرت خدا نیست و چه بسا مانند قضیه ی لباس تقوای آیات تذکری برای انسان در این فرایند نیز مد نظر باشد.

وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ الزَّيْتُونِ وَ الرِّمَّانِ مُشْتَبِهًا وَ غَيْرَ مُشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ يَنْعِهِ  
إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (أنعام ۹۹)

متاسفانه غرب برای دادن نگرش غیر الهی حتی به کشاورزان نیز بیکار ننشسته است و در همه ی تکنولوژی های جدید نه تنها تذکرات الهی افعال کشاورز و دامپرور نادیده گرفته شده است حتی نگاه او به آسمان هم با برنامه پیش بینی وضع هوای تلویزیون از او گرفته شده است. در کشاورزی مدرن امروز غرب، بشر مدرن نه تنها از دروس ناشی از آبیاری و هرس با دست و کاشت بذر و چیدن میوه و نظاره مراحل زیبای رسیدن آن محروم شده است بلکه از لذات فطری این افعال الهی نیز حظ و بهره ای ندارد و عموماً انسان های مسخ شده ی تکنولوژیک امروز با رفتن به روستاها و نظاره ی درخت و میوه و زراعت به وجد فطری می آیند و از بوی خاک و محیط روستاها بسیار حس خوبی پیدا

می‌کنند. متأسفانه این روحیات فطری بشر را به سمت "سفرهای زندگی در شرایط سخت"<sup>۲۵</sup> کشانده اند تا مبدا بشر متمدن غربی حس کند که می‌تواند در آغوش طبیعت نیز زندگی لذت بخشی داشت و همواره از طبیعت بترسد و در آن به سختی و مشکل بر بخورد.

#### ج) تذکرات ناشی از سوارکاری :

انسان با سوارکاری یاد می‌گیرد که نفسی دارد که چون اسب چموش است و باید با تربیت آن بر این نفس مسلط شود تا بتواند از نفس در مسیر سیر الی الله کمک بگیرد. اما خودرو چون موجودی مطیع است و نافرمانی از آن سر نمی‌زند نمی‌تواند روح عصیان‌گر و اماره به سوء نفس را به انسان نشان دهد فلذا در یادآوری سرکشی‌های نفس و لزوم کنترل و افسارگیری نفس به انسان کمکی نمی‌کند. از همین باب است که اگر شما اسب را با خودرو جایگزین کردید به نفس خود ظلم کرده اید و نفس را از کلاس درس عملی‌ای که برایش در سوارکاری حاصل می‌شود محروم ساخته اید.

وَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَ الْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ (۱۲)  
يَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (زخرف ۱۳)

البته اگر گفته شود این دروس و تعلیمات و تذکرها می‌تواند بوسیله درس و بحث غیر عملی هم حاصل شود پاسخ این است که هیچگاه درس و بحث تئوری و نظری اثر آموزشی فعل عملی را افاده نمی‌کند. مثلاً شما هیچگاه با خواندن کتاب آموزش رانندگی و شنا راننده و شناگر خوبی نخواهید شد. همچنین هیچ‌گاه دانستن و خواندن تئوری آموزش نماز و روزه اهداف آنها را محقق نخواهد کرد و کلاس درس عملی در این موارد ضرورت دارد.

عین همین تذکر در قضیه ی شتر نیز وجود دارد و فقر سوراخ بینی شتر و افسار زدن بر آن نیز شاهدهی است که تذکر خوبی برای مهار نفس و درس آن است.

#### د) تذکرات ناشی از چوپانی :

در دنیا شما همواره با کسانی سر و کار خواهید داشت که سر در آخور دنیا دارند شما نباید از آنها تقلید کنید بلکه باید آنها را هدایت کنید و آگاه سازید و از روزی خداوند بهره مندشان سازید و ببوشانیدشان.

كُلُوا وَ ارْزَعُوا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَبْصَارِ (طه ۵۴)

این که خدای متعال می‌فرماید در زمین حیواناتان را بچرانید یا میوه‌ها را از درختان بگیرید (وَ اتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ (انعام ۱۴۱)) نه از این باب است که چیدن و چراندن هدف باشد بلکه بحث تعلیم انسان مطرح است و گرنه خلقت که به شما نیازی ندارد و نظامش به وجود خودش قائم و پایدار و منظم است. فلذا اگر انسانها کلاسهای خدا در خلقت را رها کنند و برخی انسان‌ها را به بیگاری یا افعال انحرافی صنعتی (مانند پیچ و مهره سفت کردن و نظارت بر نشانگرهای دستگاه‌های صنعتی در کارخانه‌ها و کلا افعال مرسوم به عنوان شغل در کارخانه‌ها) بکشانند یا با دیگر تکنیکها سعی کنند با اتوماسیون و ربات و امثالهم رزق را بگیرند کسی که ضرر می‌کند خود انسان است که از تعلیم در کلاسهای درس تذکر و آموزش خلیفه الهی باز مانده است و از افعالی که نفس او را متذکر می‌کند محروم شده است. البته این محرومیت تنها ضرر فرهنگی و اخلاقی صنایع امروز نیست و متأسفانه بسیاری از صنایع امروزی که در خود وحی شیاطین را هم همراه دارند با خود فرهنگی شیاطانی و خداسیزی را برای بشر همراه آورده‌اند. به عنوان مثال استاد اصغر طاهرزاده می‌نویسد :

هر تکنیکی با فرهنگ خاصی که همراه دارد، ظاهر می‌شود و هر جا پا می‌گذارد فرهنگ خاص خود را به همراه می‌آورد.<sup>۲۶</sup>

در جای دیگری ایشان می‌نویسد :

مشکل این است که افراد باور ندارند که نه تنها «رسانه خود پیام است» و هر جا آمد فرهنگ خود را به همراه می‌آورد بلکه تکنیک هم یک فرهنگ است و هر جا آمد فرهنگ و نوع زندگی مخصوص به خود را نیز به همراه می‌آورد.<sup>۲۷</sup> ... تکنولوژی در ذات خود یک فرهنگ را به همراه می‌آورد و نباید آن را به عنوان یک ابزار صرف نگریست.<sup>۲۸</sup> ... القافات شیطان در روح تکنولوژی بی‌تأثیر نیست، به همین جهت انسان غرب‌زده

۲۶ طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص ۱۱

۲۷ همان ص ۵۵

۲۸ همان ص ۵۸

25 for example :Survive the Jungle: Life or Death Game : Discovery Channel Doc

به جای ارتباط با طبیعت و تعامل با آن، برای اهداف و همی خود با حرص و سرعت هرچه بیشتر به تخریب طبیعت دامن می‌زند.<sup>۳۹</sup>

میل طبیعی انسان به استفاده از وسیله و ابزار:

همان گونه که خدای متعال برای هر فعلی راه و چاه خاص خود را قرار داده است و فرموده است و اتو البیوت من ابوابها بشر نیز این حس را فطرتا در وجود خود دارد که برای هر کاری باید دنبال اسباب و ابزار خاص آن کار باشد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مائدة ۳۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا (اسراء ۵۷)

این که هدف تذکری این اسباب و وسیله گرفتن برای افعال شاید این باشد که آدمی به یاد وسیله قرار دادن اهل بیت علیهم السلام بیفتد نیز دور از ذهن نیست.

اهداف انحرافی از صنعت :

#### ۱) رقابت با خدا در خلقت و نوآوری

اگر شخصی هدف از صنعت را رقابت با خدای متعال بپندارد سخت در اشتباه است چه این که خداوند چنین افرادی را با مثل زدن موجود کوچکی مانند پشه از حرکت در این مسیر باز داشته است :

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مِّثْلُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَا يُجْتَمِعُوا لَهُ وَلَا يُسَلِّمُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ (حج ۳۳)

هیچ فکر کرده اید چرا در شهرهای فوق تکنولوژیک و پیشرفته آمریکا مانند بخش منهن از نیویورک هیچگاه مانند ایران درخت و بلوار و سبزه و چمن دیده نمی شود. شکی نیست یکی از دلایل، دهن کجی به خداوند و حذف تمامی آیات الهی از دید بشر است. بعضا ساختمانهای صدها طبقه ای که ساخته می شود برای آن است که آسمان در دید بشر ساکن در این شهرها قرار نگیرد و اصولا همه ی نشانه های الهی از ذهن بشر خارج شود . هرچند اگر آدمی به نفس و جسم خود بنگرد

خواهد دید که حتی در بدن خود او نشانه های الهی آشکار زیادی وجود دارد. البته خدای متعال نیز در حیواناتی چون گنجشک و گربه که با شهرهای مدرن بیش از بقیه حیوانات سازگاری یافته اند همچنان آیات حیوانی خود را در معرض دید بشر قرار می دهد.

#### ۲) آسایش جسم و اتراف

اگر کسی هدف از صنعت را آسایش جسمی بشر بپندارد باز هم هدف را اشتباه گرفته است چه این که خدای متعال می فرماید :

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (بلد۴)

هر چند این آسایش جسمی نباید با یسر اشتباه گرفته شود و خداوند برای بشر یسر را می خواهد و می فرماید :

يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ (بقره ۱۸۵)

اما در جایی که لازم باشد نقص ثمرات و کمبود امکانات رفاهی را یک نعمت سازنده و آگاهاننده ذکر می کند :

وَلَتَبْلُوَنَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ (بقره ۱۵۵)

الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (بقره ۱۷۷)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (أنعام ۴۲)

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (أعراف ۹۴)

در قرآن کریم خدای متعال برای آخرت که محل استراحت و آسایش است همواره از ارائک(جمع اریکه) و سرر (جمع سریر) که به معنای تخت هستند نام می برد ولی برای دنیا هیچگاه از تخت و سریر استفاده نمی کند و حتی برای سلیمان نبی (علی نبینا و آله و علیه السلام ) در مقام پادشاهی شبه اخرالزمانی از کرسی نام می برد که به معنای صندلی است و نه اریکه و سریر....



از طرفی مومنین در دنیا دائم به فکر کار و تلاش و جمع آوری عمل صالح هستند و در انجام خیرات از هم سبقت می گیرند و امر به سبقت گرفتن شده اند و این با آسایش طلبی سازگار نیست.

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ (شرح ۷)

و لِكُلِّ وُجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّبُهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (بقره ۱۴۸)

از طرفی خداوند اتراف را یک ارزش منفی می داند که به نوعی مترادف با آسایش غافلانه دنیوی است.

اگر آسایش جسم را هدف بگیریم آنوقت تاریخ را هم بر مبنای ابزارهای تامین کننده راحتی بشر می نویسیم، استاد طاهرزاده در این باره می گوید:

ابتدا تاریخ را طوری تفسیر کردند که تکامل بشری به معنی تکامل در ابزار تولید تلقی شد و تاریخ تمدن به عصر سنگ و مفرغ و مس و آهن و ... تقسیم شد، گفتند عصر حجر یعنی عصری که انسان ابزارش را از سنگ می ساخته و انسان عصر مفرغ، از او پیشرفته تر است، زیرا ابزار تولیدش از سنگ به مفرغ تکامل یافته. در این تحلیل بی پایه اولاً: هر ملتی هراندازه هم فرومایه باشد همین که ابزار تولیدش پیشرفته تر از ملت قبلی است، کامل تر است، حتی اگر آن ملت قوم لوط باشد با آن همه رذائل اخلاقی، و هر ملتی که ابزار تولیدش مربوط به گذشته است غیر کامل است، هرچند پیامبر خدا یعنی حضرت آدم باشد.<sup>۳۰</sup>

### ۳) رفع کننده همه نیازها

اگر نگاه انسان مادی باشد و هدف از صنعت صرفاً مادی شود به یک پارادکس مبتلا می شود و انسان بعد از رشد تکنولوژی به پوچی می رسد :

شهید چمران در این باره می نویسد :

دینا ناراحت و نگران است و در یک سردرگمی فرو رفته، و از عاقبت تلخ خویش وحشت دارد . انسان هایی که از رشد روحی و اخلاقی بی بهره اند؛ بزرگترین و خطرناک ترین بمب ها در دست آنهاست، که هر لحظه ممکن است خود را و همه انسان ها را به نابودی بکشانند. ارزش انسان از بین رفته است، و می رود که زیر چرخ دنده های ماشین خرد شود، زیرا آنچه انسان غربی به آن متصل است، ماشین بهتر و سریع تر انجام

می دهد. اگر ارزش انسان در قدرت جسمی او باشد، مسلماً ماشین هایی با قدرت سرسام آور مشغول کارند که این انسان در مقابل آنها صفر است، هواپیماهای سریع السیری که هزاران بار از انسان سریع تر اند . اگر ارزش انسان به حافظه و کار دماغی اوست، کامپیوترها به مراتب قوی تر و سریع ترند، حتی کامپیوترهایی ساخته شده اند که فکر می کنند و طرح می دهند و شطرنج بازی می کنند و حتی کامپیوتر دیگری را طراحی می کنند و می سازند، پس ارزش انسان در کجاست؟ اگر ارزش در قدرت جسمی و هوش و حافظه و فکر و دماغ باشد، ماشین قوی تر و سریع تر و بهتر از انسان است، و این انسان باید در پای ماشین قربانی شود، بخصوص طرح های جدیدی که کامپیوتر می تواند احساس کند و از عواطف حیوانی برخوردار گردد . بنابراین بشر به کجا می رود؟ آیا می رود که خود را برای همیشه نابود کند؟ و یا اسیر و برده ماشین، بی اراده و بی اختیار، به سوی سرنوشتی مبهم و مجهول به پیش برود؟ راستی امتیاز انسان بر ماشین چیست؟ آنچه انسان را، هر چه ضعیف باشد، بر ماشین، هر چه قوی باشد، مزیت می بخشد، کدام است؟ به نظر ما مزیت انسان در روح و قلب او نهفته است که در مکتب های مادی جایی ندارد!<sup>۳۱</sup>

صنعت و فناوری هر قدر هم پیشرفته شود نهایتاً نیازهای مادی انسان را پاسخ می دهد و نیازهای روحی او می ماند:

عده ای برای دست یافتن به آرامش روان، همه ی لذتهای مادی را تجربه می کنند، ولی وقتی همه این لذتها و کامجوییها، آنها را اشباع نکرد، به مواد آرامبخشی همچون سیگار، تریاک، هروئین، حشیش، قرصهای آرامبخش، مواد شادی آور، مشروبات الکلی، و غیره پناه می برند، و اگر همه اینها آنها را اشباع نکرد به سیم آخر می زنند و خودکشی می کنند، تا به گمان خود از این جهنمی که در آن گرفتار شده اند خلاصی یابند. علت این امر آنجاست که این افراد از آنجا که به دین و خدا اعتقادی ندارند، (شاید هم اعتقاد دارند، ولی پایبندی ندارند) (و به انسان و جهان با دیدی مادیرایانه نگاه می کنند، لذا آرامش روح و خوشبختی روان را تنها در لذتهای مادی و مواد آرامبخش جستجو می کنند، ولی از آنجا که هیچیک از اینها نمی تواند غذای روح باشد، بجای کعبه، راه ترکستان را در پیش می گیرند، و نهایتاً هم به مراد خود نمی رسند. روح تشنه و گرسنه را نمی توان با ماده سیر کرد، چرا که غذای روح از جنس ماده نیست، بلکه از جنس روح است، و آن ایمان به خدا و اتصال به جنابش از کانال دینی است که آنرا برای همه بشریت فرستاده است.

عده ای هم برای دست یافتن به آرامش روح و روان، به خالق روح و روان روی می آورند، و با او ارتباط برقرار می کنند، و بجای مدد جستن از مواد مخدر و مشروبات الکلی، به او روی می آورند، و نهایتاً به مطلوب خود هم می رسند.<sup>۳۲</sup>

#### ۴) پیشگیری از جرم و جنایت و برپایی امنیت

امنیت یکی از بهترین و مطلوب ترین صفات برای محیط حیات انسانی است و خدای متعال برای یک شهر بالاترین نعمات را امنیت و نبود گرسنگی<sup>۳۳</sup> ذکر می کند.

سید احمد هاشمی در این باره می نویسد :

چرا با تکنولوژی حتی بسیار پیشرفته، نمی توان از جرم و جنایت جلوگیری کرد؟

به دو دلیل: نخست اینکه به همان نسبت که دولتها امکانات و تواناییهای خود را در تکنولوژی کشف جرم و تبهکاری توسعه می دهند، به همان نسبت هم تبهکاران که غالباً در چارچوب باندهای تبهکاری فعالیت می کنند، تکنولوژی خشی کردن این اقدامات را اختراع می کنند، و نتیجه می شود: صفر صفر، لابد می دانید که بسیاری از تبهکاران از هوش و دانش فنی بالایی برخوردارند، و تبهکاران کم هوشتر زیر نظر آنان انجام وظیفه می کنند.

دوم اینکه تکنولوژی پیشرفته، پلیس، دستگاههای هشدار دهنده و غیره، بُرد محدودی دارند، بدین معنا که با این امکانات تنها می توان افراد را در محدوده مشخصی، مثلاً در ملاً عام کنترل کرد، اما وقتی افراد با خود خلوت می کنند، واز چشم پلیس و دستگاههای هشدار دهنده دور می شوند، آیا باز هم می توان آنها را کنترل کرد، و آنها را از ارتکاب جرم باز داشت؟ امروزه این مسئله در عالم اینترنت و نرم افزارها کاملاً مشهود است، اگر از در نشد، از پنجره وارد می شوند. بنابراین تمام امکاناتی که دولتها برای امنیت خود و مردم به کار می گیرند تنها در حکم پلیس بیرونیست، در حالی که-همانطور که گفته شد -دین و ایمان پلیس درونیست، که در خلوت و جلوت انسان را کنترل می کند، و او را از عمل خلاف باز می دارد. به اعتقاد من اگر هزینه های گزافی که برای ایجاد امنیت و کشف جرم و جنایت در جهان صرف میشود، برای نشر ایمان و

۳۲ سید احمد هاشمی، وبلاگ شخصی :

<http://loghman2000.blogfa.com/post-16.aspx>

۳۳ برای پیگیری مطلب در قرآن کریم بلد امین و بلاد آنا و آمنهم من جوع جستجو شود.

فضائل اخلاقی صرف می شد، انسانها بسیار ایمن تر و خوشبخت تر بودند، در حالی که با داشتن پیشرفته ترین تکنولوژی امنیتی و اطلاعاتی، دولتی مانند امریکا با این کبکبه و دبدبه، هنوز نتوانسته احساس امنیت و آرامش را برای شهروندان خود به ارمغان بیاورد(تازه بعد از حملات ۱۱ سپتامبر این احساس ناامنی بیشتر هم شده است). در خبرها خواندم که در امریکای دویست و هشتاد میلیون نفری، دویست و هفتاد و پنج میلیون قبضه اسلحه در دست مردم است!!! واقعاً چرا دویست و هفتاد و پنج میلیون قبضه اسلحه؟ زیرا شهروندان احساس امنیت ندارند، شما هم اگر آنجا زندگی کنید مجبورید برای خود سلاح تهیه کنید، زیرا که با داشتن اسلحه احساس امنیت بیشتری می کنید. یاد دارم زمانی که بیل کلینتون تازه رئیس جمهور امریکا شده بود، در مراسمی در جمع طرفداران خود دعا کرده بود، که خداوند امنیت را به کشور باز گرداند، که این خود نشان از آن دارد که بحران امنیت همه را بدنبال خود کشیده است.<sup>۳۴</sup>

شاخص هایی برای تمایز صنعت اسلامی از صنعت غیر اسلامی :

#### الف) رعایت حدود الهی در صنایع

خدای متعال برخی مجاری را برای جریان کالا مسدود کرده است و همچنین بعضی صنایع مانند شراب سازی را هم صنایع محرمه اعلام کرده است. مثلاً شما حق ندارید به کسی که شراب می سازد انگور بفروشید و ساخت شراب با این که یک صنعت است و یک صنعت مدرن هم نیست یک صنعت تاریخی است ولی از مصادیق کسب حرام است.

این مجاری مسدود شده باید در صنایع امروز هم لحاظ شود چه این که در غرب هم بعضاً به خاطر منافع سیاسی لحاظ می شود یعنی برخی تکنولوژی ها محدودیت دارد و به هر کس فروخته نمی شود. مثلاً در انحصار سازمان اطلاعاتی آمریکا است، مانند تکنولوژی های جاسوسی یا مثلاً سلاح های پیشرفته فوق مدرن در انحصار ارتش آمریکا است و آمریکایی ها خود به برخی مسدودیت های مجاری جریان محصولات صنعتی واقفند و برخی کشورها از داشتن برخی صنایع مانند انرژی هسته ای تحریم می شوند.

#### ب) رعایت حقوق اسلامی و پرهیز از ظلم

یک صنعت اسلامی نباید در هیچ یک از مراحل خود اعم از مرحله تولید، مرحله کاربری و مرحله بازیافت و انهدام مستلزم ظلم باشد. برای

۳۴ همان : ادامه بحث نیز زیباست فرصت کردید مطالعه نمایید.

اسلامی بودن یک صنعت لازم است همه این مراحل عاری از هر گونه ظلم باشند. در اسلام شما حق ندارید از زیر بار لزوم کسب معرفت شانه خالی کنید، مثلاً این که گفته می شود که فروختن انگور به کسی که شراب درست می کند حرام است یا سلاح فروختن برای جنگ بین مسلمانان جایز نیست این یعنی شما باید بدانی خریدار و یا تولید کننده این صنعت یا مواد اولیه را برای چه استفاده ای می خواهد و کسی حق ندارد که از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کند. البته شکی نیست که در مواردی که آلات استفاده مشترک دارند و یا مواد اولیه قابل تبدیل به تولیدات حلال و حرام هستند شما موظف نیستید که مثل اجل بالای سر طرف بایستید تا در راه حلال استفاده کند، اما از طرفی هم اگر می دانید و مشهور است فلان شخص کسبش شرابسازی است، شما حق ندارید به او انگور بفروشید. این بحث آلات مشترکه و مکاسب محرمه شکر خدا مفصلاً در فقه شیعه بحث شده است و یقیناً در معاملات صنعتی ( که مستلزم هر صنعتی خرید مواد اولیه و فروش محصولات است) نیز باید همه ی تعهدات و شرایط استنباط شده از کتاب و سنت مراعات گردد.

#### ۱) رعایت حقوق خدای متعال

در باب صنعت نه تنها این صنعت باید از مجاری حدود شرع مقدس حضرت حق برای بشر تعدی نکند بلکه باید در جای جای این صنع برای اقامه حقوق الهی مانند واجبات و فرائض مجرا در نظر گرفته شود. هیچ صنعتی حق ندارد بشر را از اقامه نماز اول وقت و روزه بازدارد، همه صنایع باید به گونه ای طراحی شوند که در حین نماز و اوقات روزه به این واجبات الهی احترام بگذارند و به حریم حقوق الهی تجاوز نکنند. اگر خدای ناکرده هواپیمایی در حین برپایی نماز اول وقت از حرکت نایستد نه تنها این نایستادن ظلمش متوجه خلبان است بلکه متوجه طراح این صنعت نیز می شود و باید از طراح پرسید که چرا قطاری طراحی نکردی که در زمان اول وقت نماز برای اقامه حق الهی بایستد و به حق واجب خدای متعال احترام بگذارد و یا باید از طراح پرسید چرا در کاتالوگ و دستورالعمل قطار نوشتی که این قطار باید در زمان نمازهای یومیه متوقف شود و یا چرا به کسی قطار را فروختی که می دانستی قطار را برای نماز اول وقت نگاه نمی دارد. البته بسیاری موارد پیش می آید که این مصانع خود به امر خداوند به اوقات نماز احترام می گذارند مثلاً خاطره ی زیبای زیر را از شهید آیت الله دستغیب بخوانید :

با شهید بزرگوار آیت ... دستغیب برای انجام عمره همسفر بودیم. هواپیما از تهران به طرف بیروت پرواز کرد. تا از آنجا عازم جده شویم. در فرودگاه بیروت چند ساعتی معطل شدیم. اذان مغرب بود که هواپیما آماده پرواز شد. شهید دستغیب خیلی سعی می کرد نماز مغرب و عشا را اول وقت بخواند، اما درهای هواپیما بسته بود و نمی شد کاری کرد. ایشان چند بار خواستند پیاده شوند که مانع شدند. تاخیر هواپیما به حدی انجامید که اگر به جده می رسیدیم ، نماز قضا می شد. شهید دستغیب از این که نمی توانست به نمازش برسد، خیلی ناراحت بود. ما نیز تشویش داشتیم، ولی ایشان خیلی نگران فوت وقت نماز بود. موتور هواپیما که روشن بود، یک دفعه با نقص فنی رو به رو شد. خدمه هواپیما ناگهان درب هواپیما را باز کردند تا نقص هواپیما برطرف شود. همه پیاده شدیم. شهید دستغیب از این که به نمازش می رسید ، خیلی خوش حال بود. ما هم خوشحال بودیم. خدمه می گفتند شاید چند ساعت طول بکشد تا هواپیما آماده پرواز شود. نماز را که خواندیم، خبر دادند که هواپیما آماده پرواز است، سوار شوید. من هنوز در حیرت این راز بودم که میان نماز شهید و نقص هواپیما چه سری نهفته است.<sup>۳۵</sup>

حق دیگر خدای متعال در صنعت که باید رعایت شود احترام به مخلوقات خدای متعال به عنوان مصانع و مصادر علم و حکمت و قدرت خداست، اگر ببینید که کسی نقاشی استاد نقاش بزرگی مانند استاد فرشچیان را خط خطی کند ناراحت نمی شوید؟ اگر نقاشی خودتان باشد چه قدر ناراحت می شوید ؟ آیا نقاشی حکیمانه ای که برای رضای خداوند و منطبق با حکمت و عقل الهی است شایسته ی حیات نیست؟ شما که از آسیب زدن به نقاشی یک نقاش خبره و هنرمند زبردست چون استاد فرشچیان ناراحت می شوید پس چه طور انتظار دارید که هیچ دم بر نیاوریم اگر عده ای نقاشی خدا به عنوان عالم خلقت را که زینتی برای انسان ها خلق شده است خط خطی کنند؟ باید حقوق خالق این جهان محترم شمرده شود و همه به مخلوقات خداوند احترام بگذارند. چطور است که بعضی دم از حقوق بشر و حقوق حیوانات و کودکان می زنند اما برای خالق این جهان هیچ حقی قائل نیستند. شما اگر یک ربات طراحی و سرهم کنید و بسازید، برای خود این حق را قائلید که ربات از شما فرمان برده و کنترل از راه دورش دست شما باشد ، پس چطور برای خدایی که شما را آفریده است حق فرماندهی بر خودتان را قائل نیستید با این که خداوند نه تنها شما را سرهم کرده است بلکه فراتر از آن شما را از شیئی غیرمذکور خلق کرده است؟

وَأَصْلُهُمْ وَآمَنِيَّتُهُمْ وَآمَرْنَهُمْ فَلْيَبْتَئِنَّا آذَانَ الْأَنْعَامِ وَآمَرْنَهُمْ فَلْيَعْبُرُنَّ خَلْقَ  
اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خَسْرَانًا مُبِينًا (نساء: ۱۱۹)

## ۲) رعایت حقوق و کرامت انسان و پرهیز از ذلیل نمودن او

خدای متعال سوار کردن انسان بر اسب و کشتی را کریم داشتن انسان  
یاد کرده است و اسب را زینت یاد کرده است :

وَتَحْمِلُ أُنْفَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بِالْغِيَةِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرُؤُفٌ رَحِيمٌ  
(۷) وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (نحل: ۸)

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ مَا تَرَكَّبُونَ (۱۲)  
يَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذَكَّرُوا نِعْمَةً رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ  
الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (زخرف: ۱۳)

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ  
فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء: ۷۰)

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسَقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَ  
مِنْهَا تَأْكُلُونَ (۲۱) وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ (مومنون: ۲۲)

آیت الله جوادی آملی در این باره می نویسد:

زیبایی انسان، گذشته از سازمان نظامواره هستی او که در هر موجود  
دیگری هر چند ضعیف یافت می شود در گرو کرامت اوست. متون مقدس  
آسمانی به ویژه قرآن کریم، هستی بشر را تکریم کرده و او را موجودی  
گرامی شمرده و درباره کرامت وی، چنین فرموده است: (اسرا ۷۰: لقد  
کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطّیبات و  
فضّلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً) ما فرزندان آدم را بسیار گرامی  
داشتیم و آن‌ها را بر مرکب در دریا و خشکی سوار کردیم و از پاکیزه‌ها  
روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری بخشیدیم. کرامت  
انسان، مرهون خلافت اوست؛ زیرا جانشین موجود کریم از کرامت  
برخوردار است و چنین کرامتی که از ناحیه خلافت الهی باشد، بهره غیر  
انسان نیست. از این رو، تعبیری که درباره انسان شده، درباره هیچ موجود  
دیگر نشده است و آن تعبیر ممتاز، همین حدیث معروف «من عرف  
نفسه فقد عرف ربّه» است؛ زیرا شناخت جان آدمی از آن جهت که  
خلیفه خداست و این خلافت نیز تکوینی است نه قراردادی حتماً به  
شناخت خدا ختم خواهد شد و اگر به شناخت خداوند منتهی نگشت،  
معلوم می شود که انسان به خوبی شناخته نشد.<sup>۳۷</sup>

در باب احترام و تکریم خلقت خداوند باید گفت حتی اگر حیوانی برای  
رضای خدا و به دستور قربانی می شود این قربانی کردن نباید ظالمانه و  
متعدیانه باشد. در قرآن کریم آیه ای آمده است که در آن گوشت  
حیواناتی که در اثر ضرب و شتم و یا خفگی کشته شده اند حرام اعلام  
شده است.

حَرَّمْتُ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةَ وَ  
الْمُوقُودَةَ وَالْمُتْرَدِيَةَ وَالنَّطِيحَةَ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى  
النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ  
فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ  
رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ  
غَفُورٌ رَحِيمٌ (مائده: ۳)

این آیه خود به خود به ما میفهماند که شما باید بدانید که حیوانی که  
می خورید چگونه کشته شده است و اگر ندانید طبعاً حکمش غیر از  
گوشت حلال است.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد:

کلمه (منخنقه) به معنای حیوانی است که خفه شده باشد، چه خفگی  
اتفاقی باشد و یا عمدی باشد و عمدی به هر نحو و هر آلتی که باشد،  
خواه کسی عمداً و با دست خود او را خفه کرده باشد، و یا اینکه این خفه  
کردن عمدی با وسیله ای چون طناب باشد، و چه اینکه گردن حیوان را  
بین دو چوب قرار دهند تا خود بخود خفه شود، همچنانکه در جاهلیت به  
این طریق و به امثال آن حیوان را بی جان می کردند. و (موقوده)  
حیوانی است که در اثر ضربت بمیرد آنقدر او را بزنند تا مردار شود.<sup>۳۶</sup>

در هر حال واضح است که این آیه به حقوق حیوانات و رفتار کریمانه و  
شایسته خلیفه الله با آنان اشاره دارد.

هیچ صنعتی حق ندارد به مخلوقات خدای متعال ظلم و جور روا بدارد،  
زیرا همه مخلوقات خداوند از سر حکمت و عقلانیت خلق شده اند.  
صنعتی که نسل حیوانات را منقرض کند و یا با آنان رفتار غیر کریمانه و  
وحشیانه داشته باشد یک صنعت ظالمانه است.

البته همواره معارض تکریم خلقت خدای متعال شیطان دشمن انسان  
است که به خداوند چنین عرض کرده است :

۳۶ طباطبایی سید محمد حسین، تفسیر شریف المیزان، ترجمه محمد باقر

موسوی همدانی، ج ۵ ص ۲۶۸

بنابراین، کرامت انسان در پرتو خلافت اوست و «خلیفه»، کسی است که در تمام شؤون علمی و عملی خود، تابع «مستخلف عنه» باشد و برابر علم او اندیشه پیدا کند و مطابق اراده او صاحب انگیزه شود. خدای سبحان که خلعت خلافت را با آیه ( بقره ۳۰: اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَۃً ) بر اندام موزون انسان وارسته پوشانید، تاروپود استبرق جانشینی را، معرفت اسمای حسناى الهی و مرمت قلمرو خلافت و آباد و آزاد سازی منطقه جانشینی از نوذ تخریبی اهریمنان قرار داد و از جهت علمی فرمود: (بقره ۳۱: و عَلَّمَ اَدَمَ الْاَسْمَاءَ) و از لحاظ عملی چنین فرمود: (هود ۶۱: هُوَ اَنْشَاکُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَکُمْ فِیْهَا فَاسْتَغْفِرُوْهُ ثُمَّ تَوْبُواْ اِلَیْهِ اِنَّ رَبِّیْ قَرِیْبٌ مُّجِیْبٌ) خدای یگانه شما را از زمین ایجاد کرد و شما را بر آبادی زمین برگماشت پس از او طلب مغفرت کنید سپس به سوی او توبه کنید، حقیقتاً که پروردگار من نزدیک و اجابت کننده است.<sup>۳۸</sup>

مهم‌ترین عنصر خلافت الهی بعد از فراگیری معارف دینی، آباد ساختن زمین و نجات آن از هر گونه تباهی و تیرگی است. مقصود از زمین، گستره زیست بشر است که از عمق دریا تا اوج سپهر و قلّه آسمان را در برمی‌گیرد. بنابراین، فرهنگ زیست محیطی با مقام برین جانشینی خدا آمیخته است. آن کس که به جای پالایش هوا، آن را می‌آلاید و عوض مرمت زمین، آن را ویران می‌کند و به جای غرس نهال، به قطع درخت می‌پردازد و به جای سالم سازی دریا و صحرا، از آلوده نمودن آن‌ها ایبایی ندارد، چنین فارغ بی‌فروغی، بی‌دریغ دروغ می‌گوید که خویشتن را خلیفه خدا می‌شمرد. منظور از عمارت زمین، تأمین اصول زیست محیطی برای حیات انسانی است؛ نه خصوص زندگی گیاهی که برخی دارند و نه مخصوص حیات حیوانی که عده‌ای به آن بسنده نمودند، بلکه زندگی انسانی که جامع تمام مراحل نباتی و حیوانی هم خواهد بود؛ یعنی هم زمین از خطر تباهی برهد و هم زمینه از ضرر اخلاقی مصون بماند تا هم بدن از مزایای طب طبیعی طرفی بندد و هم روح از مواهب ویژه نفس رحمانی، به رَوْح و ریحان نایل شود.<sup>۳۹</sup>

### ارتباط اتوماسیون صنعتی با کرامت انسانی:

خدای متعال در عالم خلقت هیچگاه به صورت تولید انبوه به خلق نپرداخته است، هیچ دو درختی با هم یکسان نیستند، هیچ دو حیوانی با هم یکسان نیستند و هیچ دو انسانی هم شبیه هم نیستند. سوال این است که چرا؟

جوابی که به ذهن حقیر می‌رسد این است که رفتار کریمانه آن است که انسان به تناسب ظرفیت و استعداد طرف مقابل فعل انجام دهد. مثلاً یک استادی که برای همه شاگردان یک نسخه می‌پیچد کرامت شاگردان را حفظ نکرده است، یا مثلاً یک کارخانه‌ای که برای همه مشتریان یک مدل کالا بدون توجه به تفاوت‌های آنها تولید می‌کند نیز کرامت مشتری را حفظ نکرده است. از آنجا که انسان این کرامت را فطرتاً در می‌یابد امروزه دیگر تولید انبوه به آن شکل سابق در حال تبدیل شدن به سفارشی سازی است. یعنی مشتری محصول خود را به تناسب نیاز و سلیقه اش سفارش می‌دهد و مجبور نیست تولید کیلویی را بخرد.

از این قضیه که بگذریم در تاریخ داریم که امامان معصوم هر کدام روی شمشیرهایشان به تناسب شرایط زمانی و نیاز می‌دادند عبارت‌های خاصی حک شود. مثلاً روی انگشترهایشان نیز عبارات متفاوتی حک شده بود.

از طرف دیگر این که گفته می‌شود اگر تولید انبوه نباشد امکان تولید محصول برای همه نیست و انسان‌ها نمی‌توانند از پس نیازهای خود برآیند هم حرف باطلیست زیرا همیشه تاریخ به همان نسبت فرزندان، مادرانی بوده اند که برای فرزندان خود لباس ببافند و یا مادر بزرگه‌هایی بوده اند که برای نوه‌های خود فرش و گلیم ببافند. این که یک انسان برای آدم نیازهایش را تولید کرده باشد علاوه بر حفظ کرامت انسان بین انسان‌ها محبت ایجاد می‌کند.

خدای متعال حتی در باب نحوه سخن گفتن با انسان هم به قلم اشاره می‌کند، اگر خوب تامل کنیم متوجه می‌شویم میان خطاب قرار دادن و عتاب کردن به افراد با نامه نوشتن تفاوت است. مثلاً امام علی علیه السلام برای فرزندش نامه می‌نویسد. این نامه نه فقط از باب حفظ شدن بوده است بلکه از باب حفظ کرامت و احترام به فرزند است. نصیحت کردن مکتوب بسیار کریمانه‌تر از نصیحت و سرزنش حضوری است و شیوه‌ی ائمه اطهار علیهم السلام و امام راحل عظیم الشان و همه انسانهای کریم همین بوده است و از طرف مقابل شیوه جباران و ستمگران تاریخ که کرامت انسانی را لگد مال می‌کنند همواره احضار خطاکاران و توبیخ حضوری لفظی و فیزیکی بوده است.

خدای متعال می‌فرماید:

۳۸ همان ص ۲۴ و ۲۷ و ۲۸

۳۹ همان ص ۴۰ و ۴۱

همچنین پیشنهاد و توصیه‌ی مکتوب کریمانه تر از توصیه‌ی حضوری است زیرا ممکن است با توصیه‌ی حضوری مخاطب کمی در محذور قرار گیرد و یا احساس گوینده بر تصمیم او اثر بگذارد و این کریمانه نیست.

### ۳ رعایت حقوق حیوانات و مخلوقات الهی

حقوق مخلوقات الهی و حیوانات تا حدودی ذیل حقوق خداوند مطرح شد که دلیلش آن است که ما به دلیل آنکه این مخلوقات خلقت خداوند هستند برای آنها ارزش قائلیم و گرنه گوساله سامری اگر از طلا هم باشد موسای کلیم آن را می سوزاند و خاکسترش را به باد می دهد. امام خامنه‌ای در پیام خود به همایش حقوق محیط زیست ایران چنین می نویسد :

در اسلام، جامع‌ترین دیدگاه و صحیح‌ترین شیوه‌ی تعامل با طبیعت و محیط زیست بیان گردیده است. خداوند، جهان هستی و همه‌ی پدیده‌ها را زیبا، متفن و موزون آفریده و ما باید رابطه‌ی خود را با آنها تصحیح کنیم و با تصرفات نادرست خود آنها ویران و آلوده و جامعه را با بلا و مصیبت مواجه نسازیم. نگاه اسلام به طبیعت و محیط - اعم از جاندار و بیجان - عاطفی، اخلاقی، معنوی و هدایت‌گرانه است و برخورداری از مواهب طبیعی نیز بر پایه‌ی اصولی متین، عادلانه، حکیمانه، متوازن و سازنده استوار گردیده است. هدف متعالی اسلام برخوردار ساختن همه‌ی نسلها از نعمتهای الهی و ایجاد جامعه‌ای سالم و بدور از فاصله‌ی طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفائی است و الزامات شرعی برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی با پرهیز از زیاده‌روی و مقید به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است.<sup>۴۰</sup>

آیت الله جوادی آملی در این باره می گوید:

زیبایی جهان آفرینش در نظام‌مند بودن آن است؛ به طوری که هر مخلوقی با هماهنگی اجزای درونی و با هدف معین و راه و راهنمای مشخص آفریده شد. از این‌رو، هم نظام فاعلی آن منسجم و عالمانه و هم نظام غایی آن مرتبط و حکیمانه است و هم نظام داخلی آن هماهنگ و خردمندانه تعبیه شده است. پیام قرآن حکیم در این زمینه چنین است: (ربنا الذی أعطی کل شیء خلقه ثم هدی)؛ یعنی پروردگار

<sup>۴۰</sup> پیام امام خامنه‌ای به مناسبت برگزاری همایش حقوق محیط زیست ایران، بیستم خرداد هشتاد و دو، منبع سایت خامنه‌ای دات آی آر

ما ساختار هر مخلوق را برابر استعداد، استحقاق، ظرفیت و هدف‌مندی او تأمین کرد؛ آن‌گاه او را در بستر مستقیم به مقصدی که مقصود در آن‌جاست، رهبری نمود. این مثلث میمون، زیبایی هر چیزی را در رعایت اصول علمی و تجربی نظام‌های سه‌گانه مزبور می‌داند و اگر آسیبی به ساختار چیزی برسد، هم او را از نیل به هدف اصیل او باز می‌دارد و هم دیگران را از فیض او محروم می‌کند. آن هجران و این حرمان زشت، چهره‌ی زیبای صحنه آفرینش را مشوه می‌کند و هرگونه تشویه خلقت که به سلامت جامعه و امنیت امت آسیب رساند، وسوسه ابلیس است؛ زیرا شیطان، مکر ابلیسانه خود را در مطاوی امور، تدلیس و تلبیس می‌کند که یکی از آنها تغییر ساختار هدف‌مند انسان یا هر موجود دیگر است: (فلیغرن خلق الله (نساء ۱۱۹)).

گروهی در اثر اغوای شیطان که با ارائه کژراهه‌ها و اغرا و تمویه و تسفیه، بشر فریب خورده را وادار به عصیان می‌کند، به بهانه حفظ صنعت سنت زیبای خلقت را به بدعت تبدیل و نظام با شکوه آفرینش را به هرج و مرج آلاینش و آلودگی دگرگون می‌نمایند. پیام قرآن کریم درباره ناسپاسان زیست محیطی و فاقدان فرهنگ صیانت محیط زیست، این است: (ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت ایدی الناس لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلهم یرجعون (روم ۴۱)) آنچه از دستور سپهری و فرمان آسمانی برمی‌آید، این است که تابلوی زیبای آفرینش، امانت الهی به دست بشر است. صنایع تجربی موظفند که در راستای تأمین سعادت و سلامت تمام بشر جهت‌گیری کنند؛ چنان‌که مکلفند که حقوق طبیعی هر موجود دیگر را، اعم از دریا و آبیان و هوا و پرندگان هوا و استنشاق کنندگان از آن و نیز هر پدیده طبیعی دیگر، رعایت نمایند و هرگز به هلاکت نسل و حرث رضایت ندهند.<sup>۴۱</sup>

استاد طاهر زاده در این باره می گوید :

آموزه‌های دینی با تربیت انسان متعادل و رشد همه جانبه، انسانی می‌سازد که در عین رشد عقلی و علمی، ابعاد قلبی و عاطفی او نیز رشد مناسب داشته باشد، تا در عین ساختن ابزارهای مورد نیاز با ابزارهای غول‌آسا روبه‌رو نشود و با توجه به منابع محدود طبیعت با مصرف بی‌رویه‌ی آن، طبیعت را - که بستر لطف خدا است - دچار بحران ننماید، اساساً با توجه به رویکرد درستی که انسان دینی نسبت به طبیعت دارد هرگز در صدد ساختن ماشین‌های ویران‌کننده‌ای نیست که نظم طبیعت را به کلی ویران کند. بلکه با شناخت ظرائف روح انسان و دقائق طبیعت، طوری عمل می‌کند که در عین جلو بردن انسان در علم و در عین استفاده از طبیعت، نه انسان‌ها یک بُعدی شوند و نه طبیعت تخریب

گردد. وقتی نسبت به قدرت ماشین‌های غول‌آسا مغرور شدیم دیگر فکر نمی‌کنیم بر سر روان انسان‌ها و نظم محیط زیست چه می‌آید، تصور می‌کنیم با تکنولوژی برتر می‌توان خسارات وارده را جبران کرد. این مثل آن است که فکر کنیم با خراب کردن کلیه‌ی یک شخص، می‌توان دستگاه دیالیز به او بدهیم تا خسارت وارده جبران شود. غافل از آن‌که انسانی که مجبور است هر روز دیالیز کند دیگر از بستر زندگی طبیعی محروم شده است.<sup>۴۲</sup>

### بحث حیوانات و تکنولوژی و کمک به انسان

در راه خلافت در زمین تکنولوژی و حیوانات هر دو کمک دهندگان انسان هستند. البته در حقیقت هر دوی این دو نعمت الهی در قرآن حکیم به عنوان یاری رسانندگان انسان ذکر شده اند اما در حال حاضر کفه بسیار به نفع تکنولوژی سنگینتر است چه این که بنده معتقدم کفه باید به نفع حیوانات سنگین باشد زیرا تکنولوژی انرژی بسیاری از انسان می‌گیرد در حالی که حیوانات صرفاً نیاز به تعلیم دارند و نیاز چندانی به تعمیر و نگهداری به اندازه ماشین‌ها ندارند. اما بشر امروز در راه روشهای تربیت و تعلیم حیوانات بسیار عقب و کم دانش است. به امید حق تعالی ان شاء الله در این باب حرکتی در این مملکت آغاز شود هر چند در حال حاضر با بحث کشاورزی ارگانیک و مبارزه با آفت‌ها به کمک برخی حشرات دل آدم امید می‌یابد که بشر در حال حرکت به سمت این هدف است.

ان شاء الله به زودی علوم تعلیم حیوانات در دانشگاه‌ها و محافل علمی رشد کند و همه ظرفیت حیوانات که در حقیقت رباتهای کامل الهی در خدمت انسان هستند و فقط نیاز به برنامه ریزی دارند در خدمت خلافت الهی انسان بر زمین قرار گیرد.

آیه‌ی زیر نیز نمونه‌ای قرآن از بحث تعلیم حیوانات است :

يَسْئَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ تَعْلَمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَسْكَنَ عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (مائده ۴)

إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ (۱۸) وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوْبَابٌ (ص ۱۹)

ج) سرعت بخشی در خیرات و نه هر فعلی

در قرآن کریم عموماً سرعت به معنای یک مفهوم مثبت مطرح شده است و برای بعضی از افعال خدای متعال مانند حساب و عقاب واژه سریع اضافه شده است. از طرف مومنین نیز با عباراتی نظیر سارعو فی الخیرات و سارعوا الی مغفرة من ربکم در افعال خیر و توبه به سرعت ترغیب شده اند. اما این سرعت اولاً باید در کارهای خیر باشد نه در ظلم و تخریب و افعالی که همراه با ظلمند. ثانیاً باید از عجله نیز به دور باشد و کاملاً حکیمانه و صبورانه باشد.

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَآمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (آل عمران ۱۱۴)

و سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (آل عمران ۱۳۳)

فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَوَعَدْنَا لَهُ نَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ (انبیاء ۹۰)

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ (المؤمنون ۵۶)

أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ (المؤمنون ۶۱)

مطلق سرعت مطلوبیتی ندارد و مقصود از سرعت هایی که در قرآن کریم آمده است نه سرعت تکنولوژیک بلکه سرعت در اراده انجام فعل خیر است. درباب عبارت رباط الخیل در آیه اعدوا نیز بحث شود.

شهید مطهری در باره عدم مطلوبیت مطلق سرعت می‌گوید:

یکی از چیزهایی که از لحاظ رابطه انسان با طبیعت و از نظر ابزارسازی فوق العاده پیشروی کرده است، سرعت است. یعنی انسان در ابزار آنچه‌ان پیشرفت کرده است که سرعت را به حد بالایی رسانده است. آیا در صد سال پیش امکان داشت که گروهی از دانشجویان محترم در ظرف یک دقیقه به وسیله تلفن از من دعوت بکنند از تهران و آمدن من هم در ظرف یک ساعت به وسیله هواپیما صورت بگیرد؟ نه. سرعت، فوق العاده افزایش پیدا کرده است ولی آیا این سرعت را با مقیاس آسایش انسان می‌توانیم پیشرفت بدانیم؟ یا اینکه چون سرعت یک وسیله است، همینطوری که سبب شده در یک قسمتهایی برای انسان آسایش بیورد سبب شده است که در قسمتهای دیگر آسایش را از انسان سلب بکند زیرا همانطوری که این سرعت، یک انسان با حسن نیت و یک انسانی که مقصد خوبی در زندگی دارد را زودتر به مقصد می‌رساند، انسان پلید با مقاصد پلید را هم زودتر به مقصدش می‌رساند. یعنی

درست است که یک انسان سالم و با حسن نیت دستش قویتر شده و پایش سریعتر گشته ولی یک انسان پلید هم همینطور شده است. افزایش سرعت سبب شده است که مثلا وسیله آدمکشی را هم در ظرف چند ساعت از این سر دنیا به آن سر دنیا منتقل بکنند و هزارها و بلکه میلیونها آدم را یکجا بکشند.<sup>۴۳</sup>

#### د) پرهیز از عجله و احترام نهادن به قوانین خدای حکیم

لفظ عجله و استعجال در قرآن کریم به معنای یک مفهوم منفی به کار برده شده است و به معنی انجام فعل پیش از رسیدن زمان مناسب (تعجل) و یا درخواست فعل پیش از رسید موعده مقدر (استعجال) به کار رفته است. در صنایع کنونی در جامعه رواج عجله برای دستیابی به سود مادی بیشتر به وفور دیده می شود. مثلا دیده می شود میوه ها قبل از رسیدن به مرحله ی رسیدگی برداشت می شود و بعدا برای فریب مشتری (بازار پسندی) با کمک اتیلن و برخی گازهای دیگر پوست میوه را از سبز بودن خارج می کنند. یا مثلا با تزریق هورمون به جوجه های ماشینی ظرف مدت ۴۵ روز چنان جوجه ها را چاق می کنند که در بسیاری موارد قوت استخوان پای جوجه ها که متناسب با وزن گوشتشان رشد نکرده است می شکند. موارد این چنینی در صنایع مدرن امروزی به وفور دیده می شود.

استاد اصغر طاهرزاده می نویسد:

وقتی سرعت به خودی خود هدف شد حکمت بی رنگ می شود و آن چیز که بشر را آرام می کند نه سرعت بیشتر است و نه داشتن دنیای بیشتر. تکنولوژی سرعت بیشتری را به بشر هدیه کرد ولی به همان اندازه آرامش و وقار و حکمت را از بشر ربود. رسول خدا می فرماید: «أَلْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ التَّأْنِي مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»؛<sup>۴۴</sup> عجله از شیطان است و تأنی و آرامش از طرف خداوند است.<sup>۴۵</sup>

#### ه) متقن و پایدار و دوراندیشانه بودن

انتقان و استواری و دوراندیشانه بودن همه صناعات بشری لازمه عقلانی و حکیمانه بودن آنهاست. انسان های گذشته خانه های می ساختند که

عمر مفید آنها صدها سال بود در حالی که ساختمانهای امروز عمر مفیدشان بین بیست تا سی سال است، یعنی هر نفر در طول حیات خود چند بار باید برای ساختمان سازی اقدام کند، چرا؟

آیا خانه ها و مسکن قدیم قابل زندگی نبودند. چرا عمر مفید تولیدات امروز بشری بسیار کوتاهتر از عمر مفید تولیدات انسان های گذشته است. شکی نیست یکی از علل این قضیه سست و بدون تفکر و حکمت لازم بودن این مصنوعات است، استاد طاهر زاده می گوید:

روح تکنولوژی آنچنان مغرور قدرت و سرعت است که هرگز از حکمت لازم در رسیدن به اهداف خود استفاده نمی کند. انسان ها در آن فرهنگ به این باور می رسند که اگر آنچه خواستیم بسازیم، خراب شد دوباره و با سرعت بیشتر آن را می سازیم و به همین جهت ضعف کارها در خراب کردن و دوباره ساختن پنهان می شود، گویا چیزها را می سازند تا خراب کنند و فرصت تفکر برای درست ساختن را از دست داده اند.<sup>۴۶</sup>

آیت الله جوادی آملی در این باره می گوید:

اسلام در تمام شؤون حیات، به دو عنصر محوری اهمیت می دهد و همگان، به ویژه دولت مردان را مسؤول تأمین آن دو رکن اساسی می داند: یکی استحکام عمل و دیگری هنرمندی و زیبایی آن؛ یعنی کاری که مطابق اصول علمی نباشد، چون متقن و استوار نیست مقبول نیست و کاری که در عین اتقان و استواری، هنرمندانه و زیبا نیست، مطبوع و مطلوب نخواهد بود. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره عنصر محوری نخست چنین فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَنَهُ».<sup>۴۷</sup> یعنی آنچه محبوب خداست، کار محکم و عمل متقن است و درباره عنصر محوری دوم، چنین فرمود: «يُحِبُّ اللَّهُ الْعَامِلَ إِذَا عَمِلَ أَنْ يَحْسَنَ».<sup>۴۸</sup> یعنی آنچه محبوب خداست، کار هنرمندانه، ادیبانه و زیباست. خداوند نیز جهان را با دو اصل استحکام و زیبایی آفرید و دوست دارد که جانشین او در زمین، انسان وارسته ای باشد که معماری کارهای او فنی و نیز زیباسازی های عمل او هنرمندانه باشد. رعایت دواصل یاد شده، حافظ تمام اصول معیاری زیست محیطی است؛ زیر استحکام و زیبایی، مایه پالایش فضای زندگی است و فضای پالوده،

۴۳ مطهری مرتضی، تکامل اجتماعی انسان، ص ۲۲ و ۲۳

۴۶ همان ص ۶۰

۴۷ نهج الفصاحه، ج ۲ ص ۶۸۳

۴۸ همان ص ۶۹۱

۴۴ مهجۀ البیضاء، ج ۵، ص ۶۰

۴۵ طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص ۶۰



پایدار خواهد بود؛ همان‌طور که محیط آلوده، زدودنی و از بین رفتنی است.<sup>۴۹</sup>

خدای متعال درباره خلقت انسان عبارت احسن تقویم را به کار می برد و طراحی و خلقت خود را بهترین و قییم ترین خلقت معرفی می کند.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (تین ۴)

(و) سادگی در عین پاسخگو بودن برای نیازها

کشتی نوح پیامبر (علی نبینا و آله و علیه السلام) یک فناوری ساده به معنای ابتدایی، بی محاسبه و کوچک نبوده است و یا مثلا قصر شیشه ای سلیمان پیامبر نیز نمی تواند یک فناوری ساده به همان معنی بوده باشد (همین الان هم هنوز کسی ادعای ساختن کشتی ای که از همه حیوانات یک جفت در آن جا شود و یا قصر شیشه ای را ندارد) پس این که فناوری سطح پایین و ابتدایی مدنظر اسلام و خدای متعال باشد و کلا فناوریهای پیچیده مردود نظام ارزشی اسلام باشد صحیح به نظر نمی رسد. اما از طرفی هم عقل انسان همواره به دنبال ساده ترین راه ها برای مسائل مختلف است به شرطی که این راه حل ها از مجرای حدود الهی خارج نباشند. استاد اصغر طاهرزاده در باب ساده بودن فن آوری می گوید:

ابزارها هرچه ساده تر باشد انسان کم تر مشغول آن خواهد شد، و راحت تر به هدف خود دست می یابد.<sup>۵۰</sup> ... به ما آموخته اند سادگی، آسودگی آفرین و قدرت بخش ترین صفت است، چون انسان قدرتمند انسانی است که در اسارت نیازهای فراوان نباشد. تولید انبوه و مصرف زیاد، هم خسارات روحی به بار می آورد و هم محیط زیست را تخریب می کند، با توجه به این نکته اگر با نگاهی عالمانه به زندگی غربی بنگریم به جای حسرت از آن زندگی، عبرت نصیب ما می شود تا راهی را که آن ها رفتند نرویم.<sup>۵۱</sup>

پیچیده کردن فناوری به معنای شاخ و برگ های زاید و سفارشی سازی های غیر لازم بدون دلیل حکیمانه کاری غیر عاقلانه است و بشر همواره به دنبال ساده ترین راه برای حل مسائل است اما وقتی از راه حل های طبیعی فاصله بگیریم و به فکر راه حل های غیر طبیعی و تکنیکی بیافتیم آن وقت تکنولوژی ها بزرگ و پیچیده خواهند شد و با

مسائل بسیاری روبرو خواهیم شد که حتی اگر برای تک تک آنها ساده ترین راه را یافته باشیم باز هم تعدد آنها برای ذهن ما پیچیده و تکلف آور خواهد بود. مثلا اگر بخواهیم به جای سوار شدن بر اسب بر موتورسیکلت الکتریکی سوار شویم حجم زیادی از مسئله را بدون دلیل برای خود ایجاد کرده ایم که اگر بخواهیم برای این مسائل ساده ترین راه ها را هم پیدا کنیم باز هم زمان زیادی برای پاسخ گفتن و پیگیری این جواب ها از بشر گرفته خواهد شد. در دنیای امروز عموما مردم برای زندگی کردن وقت ندارند بیشتر وقت خود را به ابزارسازی و یا وررفتن با ابزارهای مختلف می گذارند و پیگیر اهدافی که خدا برای خلقت آنها در نظر گرفته است نیستند. باید پرسید چرا؟ پاسخ این است که چون در بسیاری موارد به هوای نفس خود جواب آری داده اند و برای خوش آمد نفس از پاسخی که خدای متعال در خلقت برای نیازهای آدمی قرار داده است فراری اند و دوست دارند خودشان برای نیازشان پاسخ خاص خود را داشته باشند. این که مثال موتور سیکلت الکتریکی زده شد علت آن است که موتور سیکلت الکتریکی با برخی شاخص های گذشته مانند کرامت انسان و آلوده نکردن هوا و زمین سازگاری دارد و یک قدم از بسیاری تکنولوژی ها جلوتر است اما چرا آدمی ده ها ساعت وقت و عمری را که باید در راه تعالی روح و اخلاق صرف کند با ایجاد مسائل جدید به حل مشکلات ابزارها اختصاص دهد.

بحث دیگری که درباب پیچیدگی فن آوری مطرح است نسبت فاعلیت پنداری انسان به فعل حاصل از ابزار است. یعنی مثلا وقتی شما با بیل و کلنگ چاه حفر می کنید خود را فاعل می دانید نه بیل و کلنگ را در حالی اگر با بیل مکانیکی و دستگاه های پیشرفته امروزی چاه حفر کنید دیگر خود را فاعل نمی پندارید و بیل مکانیکی را کننده چاه فرض می کنید (هیچ کس نمی گوید فلان شخص این کانال را حفر کرده همه می گویند بیل مکانیکی حفر کرده ولی هیچکس نمی گوید بیل و کلنگ چاه کننده همه می گویند فلان شخص این چاه را کنده است و مثلا در باب پرواز های هوایی همه اذعان دارند که هواپیما مسافران را به مقصد رسانده است نه خلبان و نقش خلبان اصولا در نسبت ابزار و انسان در انجام فعل کوچکتر از نقش انسان دیده می شود). البته ممکن است این تصور نیز بیراه نباشد که عمده تامین انرژی قضیه است و نه پیچیدگی دستگاه یعنی مثلا شما اگر با پیچیده ترین دوچرخه هم مسافرت کنید باز خودتان را فاعل می بینید زیرا نیرو و انرژی این حرکت از شما صادر شده است در حالی که در موتور سیکلت دیگر شما خود را فاعل جزء می

۴۹ جواد آملی عبدالله، اسلام و محیط زیست ص ۲۵۹

۵۰ همان ص ۵۵

۵۱ همان ص ۶۵ و ۶۶

بینید نه فاعل اصلی و غالب. در هر حال نتیجه این که هر چه انسان خود را در فعل بی نقش تر حس کند احساس مسئولیت پذیریش در مقابل فعل کمتر می شود و مسئولیت فعل را متوجه ابزار می پندارد، مثلاً شاید اگر به خلبانان هواپیماهای بمب افکن گفته شود که به جای ریختن بمب بر سر مردم غیرنظامی با سلاح های ساده تمام این افراد را بکشند حاضر نشوند زیر بار چنین فعلی بروند اما فشردن یک دکمه از بالای هواپیما را بسیار راحت تر می پذیرند، در واقع به راحتی فریب پیچیدگی ابزار را می خورند و از توجه به گناه کبیره ای که از ترکیب فعل آنها با اتوماسیون موجود در ابزار وجود دارد غافل می شوند. البته جای بحث باقیست که آیا در افعال ظالمانه ای که ماشین های پیچیده ای چون هواپیماهای بمب افکن در آن حضور دارند آیا همه گناه فعل تقصیر خلبان و فشار دهنده ی دکمه رهاسازی بمب هاست یا نه کسی که این وسیله را برای طاغوت و ظالمان طراحی کرده است نیز به همان اندازه که فناوری پیچیده تر شده است در ظلم ناشی از فناوری شریک است. این مسئله جای تامل بیشتری دارد که ان شاء الله با پا گرفتن فقه صنعت توسط فقهای این حوزه طرح و پاسخ داده خواهد شد.

شاهد قرآنی بر ساده بودن فن آوری نیز تا حدودی دستورالعمل خدای متعال به حضرت داود نبی برای ساخت زره است که فرمود:

أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَ قَدْرٌ فِي السَّرْدِ وَ أَعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (سبأ) (۱۱)

(ز) آرامش روحی (طمأنینه) همراه با سلامت جسمی (صحت)

استاد طاهرزاده می نویسد:

که اگر دل انسانها از فضای تکنیکی فراری است، دست و پای او در قبضه ی فرهنگی است که تکنولوژی بر او تحمیل کرده است. حاصل این کشمکشها تولد انسانی است که با همه تلاشی که صبح تا شام انجام می دهد، از همه چیز ناراضی است، حتی از قهقهه های مستانه ای که می زند تا از ناراضی خود فرار کند.<sup>۵۲</sup>

درباب آسایش جسمی یکی واژه سهل در قرآن باید بررسی شود یکی واژه اتراف و یکی هم یسر و یکی هم کبد و بأساء که به جز سهل بقیه پیشتر بررسی شدند.

یقیناً اتراف که به معنی آسایش جسمی توام با غفلت و ظلم و گناه سرخوشانه است در دیدگاه قرآن کریم مذموم است اما خداوند برای بنده یسر را می پسندد و در باب سهل هم فقط آیه زیر در قرآن کریم آمده است که ظاهراً معنای هموار در آن نهفته است و ارتباطی با انسان ندارد و صفت زمین محل ساخت قصور است.

وَ اذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُوراً وَ تَنْجُونَ الْجِبَالَ بُيُوتاً فَادْكُرُوا آيَةَ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (الأعراف ۲۴)

وقتی انسان جنبه روحانی خود را فراموش کرد و خود را مادی پنداشت آنگاه شروع می کند به مقایسه ی خود با ابزارهای مادی و خود را نیز یک ابزار مادی در جهت اهداف مادی می پندارد، در این صورت چون قطعاً با پیشرفت فناوری ابزارهای مادی قویتر از انسان به وجود می آیند آنگاه چنین انسان مادی نگری خود را طفیلی ابزارش می پندارد. اما اگر انسان مبنا را بر کرامت انسان و وجود روحانی خود بگذارد که نکته برتری انسان بر ابزار و دنیاست آنگاه نه تنها ماشین و صنعت را نعمت خداوند برای تحقق هدف خداوند می پندارد بلکه حتی دست و پا و جسم خود را هم نعمات خدا می داند و با از دست دادن آنها در اثر مصیبت و امتحان الهی احساس کمبود نمی کند زیرا اصل وجودی خود را جنبه روحی می پندارد و تا لحظه مرگ این برگ برنده انسان بر دنیا و ماشین در وجود اوست فلذا دلیلی ندارد که برای دنیا و ماشین هویت قابل مقایسه ای با خود در نظر بگیرد.

دکتر علی شریعتی می نویسد:

در جامعه شناسی و روانشناسی کاملاً آشکار است که هر کسی در مدت عمرش به میزانی که تماسش با یک ابزار و یا فرم کار بیشتر می باشد کم کم شخصیت مستقل و حقیقی خود را فراموش می کند و به جای خودش آن ابزار کار را احساس می کند.<sup>۵۳</sup>

در این جا انسان شیء می شود و خود را شیء حس می کند. ماشین زندگی همین معنی را می دهد فرد جزیی از ماشین می شود. امروز انسان در هجوم و رسوخ ماشین مسخ می شود. فرد خود را ادامه ماشین و یکی از

۵۳ شریعتی علی، ویژگیهای قرون جدید، دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار

تابستان ۶۷، ص ۳۶۴

۵۲ طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی، ص ۶۳

ابزارهای آن می شمارد. راننده خود را ادامه ترمز و کلاچ و دنده کامیونش می یابد.<sup>۵۴</sup>

متأسفانه امروزه مردم جوامع صنعتی در عین حال که در کنار یکدیگر زندگی می کنند نسبت به یکدیگر بیگانه و بی احساس اند. دکنتر اسلامی ندوشن در پاسخ به علت این مسئله می نویسد:

هر چه شهرها بزرگتر و پررونق تر شود فشار تنهایی محسوس تر می گردد... علت احساس تنهایی این است که ارتباط روحی بین افراد به حداقل تنزل یافته است.<sup>۵۵</sup>

### ح) زینت انسان بودن و زیبا بودن

خداوند متعال همانگونه که خود بر عرش عظیم تکیه زده است برای انسان در مقام خلافت نیز عرشی خلق نموده است تا مایه جمال و زینت او باشد.

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۵) وَ لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ (۶) وَ تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرؤُوفٌ رَّحِيمٌ (۷) وَ الْخَيْلَ وَ الْبِغَالَ وَ الْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَ زِينَةً وَ يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (نحل۸)

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَ الْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ (۱۲) لِيَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (الزخرف۱۳)

وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء۷۰)

شاید دیده باشید که عموماً جوانان بیش از خودروهای اتاق بسته میل به خودروهای روباز و موتور سیکلت دارند. به نظر حقیر علت آن است که این مصنوعات بیشتر با کرامت انسان که فطرتاً در وجود همه جوانان وجود دارد و هنوز گرد ذلت تکنولوژیک فرهنگ مدرن بر آن ننشسته است سازگار است. در باب کشتی هم عموماً بشر بر کشتی سوار است و روی عرشه قرار می گیرد تا در عبارت کرمانا مصداق بیشتری یابد و گرنه زیردریایی هم وسیله نقلیه است ولی بشر فطرتاً میلی به آن برای حمل و نقل ندارد مگر برای مشاهده ی اسرار و زیبایی های دریاها. اما

این که در آخر آیه خدای متعال فرموده است که یخلق ما لا تعلمون منظور چیست جای تامل دارد. آیا مقصود هواپیماهایی است که در آخرالزمان ساخته می شوند که هم کرامت انسان را حفظ می کنند و هم از آلوده کردن و ظلم بر خلاف هواپیماهای امروزه به دورند یا مقصود حیواناتی مانند فیل و دلفین است که ظرفیت رکوب انسان را دارند؟

حال اگر انسان به جای سوار شدن بر عرش خویش که مایه جمال او و زینتی برای اوست و روی آن دارای ابهت و کرامت و منزلت خلیفه الهی است، سوار خودروهای اتاق دار شود که جمال و زینتی برای خلیفه خدا ندارد بلکه مایه ذلت و خواری او در مقابل خلقت است، برآستی چه کسی ضرر می نماید؟ آیا جز این است که کرامت و جمال خلیفه الهی انسان از او گرفته شده است و بر عرشی که خدا به او به عنوان نعمت و فخر عرضه کرده است پشت نموده و خوار و ذلیل شده است.

### ط) به وحی الهی بودن و نه به وحی شیطان

خدای متعال در قرآن کریم عبارت وحی را نه تنها برای رابطه خود با انبیاء الهی به کار می گیرد بلکه برای ارتباط شیاطین با هم نشینان انسی آنان هم تعبیر وحی را به کار می گیرد و در معنای کلی گاهاهام ذهنی را هم به وحی تعبیر می کند (در داستان مادر حضرت موسی). حتی وحی به حیوانات نیز در موضوع زنبور عسل در قرآن کریم آمده است. البته این سخن به این معنا نیست که وحی تشریحی بر هر کسی نازل می شود بلکه منظور این است که الهامات شیطانی نیز همانند وحی الهی در ذهن انسان ها قابل تولید است و باید بشر غیر معصوم همواره الهامات خود را با معیار وحی تشریحی و عقل بسنجد تا بتواند سره را از ناسره و الهام الهی و ملائکه ای را از وحی شیطانی تشخیص دهد.

وَ لَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَفِسْقٌ وَ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكَ أَوْلِيَانِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَ إِنَّ أَطْعَمْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ (الأنعام ۱۲۱)

وَ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحِينَا (هود ۳۷)

جالب اینجاست که خدای متعال در باب طراحی و ساخت کشتی برای حضرت نوح (علی نبینا و آله و علیه السلام) با ذکر واژه ی باعیننا در کنار بوحنیا به یک رابطه ی دو طرفه وحیانی - بازخوردی اشاره می کند و به نوح پیامبر نوید می دهد که در مرحله طراحی و ساخت کشتی وحی و هدایت و رفع اشکال خدای متعال با او خواهد بود.

<sup>۵۴</sup> شریعتی علی، تاریخ تمدن، ج ۲ ص ۲۳۸

<sup>۵۵</sup> اسلامی ندوشن محمد علی، گفتیم و نگفتیم، انتشارات بزدان. ص ۶۹

شهید آوینی در این باره می نویسد :

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَ بِنَعُ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (حج ۴۰)

وَ مَنْ أظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (بقره ۱۱۴)

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (حشر ۲)

در احادیث پیامبر اکرم آمده است که حتی در مقابل کافران و دشمنان به جز به فرمان خاص خدا کسی اجازه تخریب بیت و مصنوعات غیرظالمانه را ندارد و خراب کردن بیوت و آتش زدن و روحیه ی نابودگری بسیار مذموم شمرده شده است.

آیت الله مکارم شیرازی در این باره از منتهی الآمال درباره سیره پیامبر چنین نقل می کند:

درختان را از بیخ نزنید مگر اینکه ناچار باشید، نخلها را نسوزانید و با آب غرق نکنید، درختان میوه را ریشه کن نسازید، زراعت را آتش نزنید که خود بدان محتاج خواهید بود و حیوانات حلال گوشت را نابود نسازید مگر به اندازه‌ای که برای تغذیه لازم دارید. هرگز آب دشمن را با زهر آلوده نسازی.<sup>۵۸</sup>

در جای دیگری از همین مقاله ایشان از آیه ی زیر چنین نتیجه می گیرد:

در آیه ی ۱۹۰ سوره ی بقره می‌خوانیم: وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ : در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند نبرد کنید و از حد تجاوز ننمایید که خدا تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد. در این آیه در واقع به سه نکته اشاره شده: نخست این که جنگ باید برای خدا و در راه خدا باشد نه به خاطر جاه‌طلبی و انتقام‌جویی. دیگر اینکه جنگ در برابر متجاوز باشد، یعنی تا جنگ بر شما تحمیل نشود دست به اسلحه نبرید. سوم در میدان جنگ از حد

از همان ابتدای انقلاب صنعتی، ابلیس پیش بینی کرده بود که انسانها به خاطر تکنولوژی پیشرفته شان، در چنان لجنزاری از عجب و خود بینی فرو می روند که به زودی همه حس واقع بینی شان را از دست می دهند. و این درست همان چیزی بود که اتفاق افتاد. این برده های بیچاره ی چرخها و تیر و تخته ها برای تسلط بر طبیعت به خود تبریک و تهنیت گفتند. فاتحان طبیعت، واقعاً که! در حقیقت، کاری که کرده بودند صرفاً بر هم زدن توازن و تعادل طبیعت بود و طبعاً عواقبش هم دامنگیرشان می شد. فقط به خاطر بیاور که در طول یک قرن و نیم قبل از چیز چه کارها که نکردند، آلودن آب رودخانه ها، کشتن حیوانات وحشی، تخریب جنگل ها، راندن خاک سطح زمین به سمت دریاها، سوزاندن اقیانوسی از نفت، بر باد دادن معادنی که یک دوره کامل زمین شناسی صرف ذخیره شان شده بود. خلاصه ضیافتی کامل از جهالت جهانیان و تبه کاران. و اسم این را پیشرفت گذاشته بودند، پیشرفت، پیشرفت، پیشرفت! بگذار به تو بگویم که آن اختراع به مراتب زیرکانه تر، و طنزش به دفعات شیطانی تر از آن بود که محصول فکر بشر باشد. ناگزیر باید برایش مددی خارجی قایل شویم، بدون تردید باید رحمت ابلیس در کار بوده باشد، که البته همیشه و همه جا آماده عرضه است – یعنی برای کسی که حاضر به همکاری و همراهی با او باشد – و چه کسی نیست؟<sup>۵۶</sup>

استاد طاهرزاده در این باره می گوید:

وقتی بنا است ما به تکنیک شکل دهیم، باید آن شکل‌دهی به صورتی باشد که با اندیشه‌ی الهی مطابق گردد تا هماهنگ با نظام الهی در خدمت ما باشد،<sup>۵۷</sup>

ی) در جهت اصلاح و صلح نه در جهت فساد و هدم:

در قرآن کریم ریشه ی هدم یکبار برای نابودی مساجد و عبادت گاه ها آمده است و از ریشه خرب دو بار برای مسجد و بیت استفاده شده است و در همه حالات مفهوم منفی دارند و خداوند با تاکید قضیه خراب کردن بیوت یهودیان را عبرت آموز دانسته و برای هدم و خراب عبادتگاه ها عذاب عظیم را یادآور می شود و خود را با تاکید قوی عزیز می نامد :

۵۶ آوینی مرتضی ؛ مقاله آزادی قلم، نسخه اینترنتی سایت شهید آوینی : <http://www.aviny.com/Article/aviny/Chapters/Azadighalam.aspx>  
۵۷ طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه پیش توحیدی ص ۱۰۹

تجاوز نکنید و اصول اخلاقی را رعایت کنید بنابراین اگر دشمن اسلحه را بر زمین بگذارد و تسلیم شود نباید به او حمله کرد، و همچنین نسبت به کسانی که قدرت بر جنگ را ندارند مانند پیر مردان، کودکان و زنان نباید مزاحمت شود، نابود کردن باغ‌ها و مزارع و تخریب اماکن قابل استفاده، و توسل به سلاح‌های کشتار جمعی، همه از مصادیق تعدی بر بیگناهان و انتخاب روش‌های غیر انسانی است و از نظر اسلام ممنوع است.<sup>۵۹</sup>

ک) **قانعانه بودن و نه مصرف زدگی :**

استاد طاهرزاده می گوید :

روحیه‌ی انبیاء الهی در رابطه با داشتن زندگی ساده و رعایت قناعت در مصرف، بدان جهت بود که متوجه قوانین طبیعت الهی بودند، و می‌دانستند اگر انسانی که با اندک تلاش می‌تواند مایحتاج طبیعی خود را به دست آورد، از مرز نیاز طبیعی پا را فراتر بگذارد، نه تنها مجبور است چندین برابر زندگی طبیعی تلاش کند، بلکه باید برای به دست آوردن مازاد بر نیازش به جنگ طبیعت برود و نیازهای و همی خود را از حلقوم آن بیرون بکشد و برای این کار مجبور است تکنولوژی‌های غول‌آسا طراحی کند، به امید آن که بر طبیعت غلبه کند، غافل از آن که با روبه‌رو شدن با بحران محیط‌زیست از زندگی طبیعی اولیه خود نیز محروم می‌شود.<sup>۶۰</sup> ... همچنان که فرمودند: «دَعُوا الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا فَمَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ أَخَذَ حَتْفَهُ وَ هُوَ لَا يَشْعُرُ»<sup>۶۱</sup> دنیا را به اهل دنیا واگذارید، و هرکس از دنیا بیش از مقدار نیازش برداشت کند، ناخودآگاه دست به نابودی خود زده است.<sup>۶۲</sup>

در جای دیگری دوباره استاد طاهرزاده می گوید :

به تعبیر قرآن روح اهل کفر روح افتخار بر اسراف است «يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ، سوره بلد، آیه ۶»؛ می‌گوید من مال زیادی را از بین می‌برم. و این نوع مصرف‌زدگی را شاخصه رشد نشان می‌دهند تا حیات تکنولوژی فزون‌خواه ادامه یابد، در حالی که شاخصه حیات دینی «قناعت» است و «سادگی»<sup>۶۳</sup> ... رسول خدا می‌فرماید: «اگر کسی برای غسل کردن بیش از یک صاع - حدود سه کیلو- آب مصرف کرد خلاف سنت من عمل کرده»<sup>۶۴</sup>؛ از این روایت بر می‌آید که روح انسان موحد اجازه نمی‌دهد

مصرف‌زدگی بر زندگی‌اش حاکم باشد، حال چه تولیدش بیش از مصرفش باشد و چه نباشد. چه در منطقه‌ای زندگی کند که دارای آب فراوان باشد و چه در منطقه خشک و کویری زندگی کند. مصرف زیاد روح را می‌میراند و انسان را گرفتار مصرف‌زدگی می‌کند، مضافاً این‌که طبیعت ظرفیت اسراف‌کاری در هیچ چیز را ندارد (یک نوزاد متولد ایالت متحده: ۲ برابر نوزاد سوئدی، ۳ برابر نوزاد ایتالیایی، ۱۳ برابر نوزاد برزیلی، ۳۵ برابر نوزاد هندی، ۱۴۰ برابر نوزاد بنگلادشی و ۲۸۰ برابر نوزادی که در چاد، رواندا، هائیتی یا نپال متولد می‌شود، سربرای محیط زیست است. (افسانه‌ی توسعه، اسوالدو دیویرو، ص ۹۰)).<sup>۶۵</sup>

ل) **کنترل پذیری و دست افزار بودن :**

هر فناوری جدید باید به گونه‌ای طراحی شود که بشر از پس مهار آن برآید فلذا رفتن سراغ فن‌آوری‌هایی که کنترلشان از دست انسان خارج است کار درستی نیست.

اصغر طاهرزاده در این باره می گوید :

که تکنیک و ابزار ملت‌ها در گذشته با روح و جسم انسان‌ها هماهنگ بود، بیلی که با آن زمین را می‌کند ادامه دست او و در کنترل او بود، و به تعبیری تکنیک قدیم دست‌افزار انسان بود اما تکنیک جدید از حالت دست‌افزاری خارج شده بلکه بر انسان حکومت می‌کند، به همین جهت ویران‌گری در آن غلبه دارد، بیل و چکش لایه‌ی اُذن را از بین نمی‌برد چون تحت کنترل انسان است، ولی دود ناشی از تکنیک جدید تحت کنترل انسان نیست. تکنیک دنیای مدرن از انسان بریده است، ساختاری مستقل از انسان دارد و چون نامقدس است بی‌برکت می‌باشد.<sup>۶۶</sup>

ضوابط اخلاقی صنعتگری اسلامی :

الف) **شکر خدای متعال برای وحی و تعلیم صنعت :**

وَ عَلَّمْنَاهُ صُنْعَهُ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُخْصِنَكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ (انبیاء ۸۰)

علامه طباطبای ذیل آیه چنین می نویسد:

ضمیر در (( علمناه )) به داوود بر می‌گردد، همچنانکه در جای دیگر درباره آن جناب فرموده : ((والنا له الحديد - آهن را برایش نرم کردیم )) و معنای آیه این است که : ما صنعت زره سازی را به داوود تعلیم

۵۹ همان

۶۰ همان ص ۶۴

۶۱ مجموعه ورام، ج ۱ بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۵، ص ۱۵۶.

۶۲ طاهرزاده اصغر ، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی، ص ۶۸

۶۳ همان، ص ۸۷

۶۴ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۸۲

۶۵ طاهرزاده اصغر ، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص ۸۸

۶۶ طاهرزاده اصغر ، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص ۱۰۷ و

دادیم تا برای شما زره بسازد و شما با آن وسیله از شدت فرود آمدن اسلحه بر بدن خود جلوگیری کنید. جمله (( فهل انتم شاکرون )) تقریر و تحریک بر شکر است.<sup>۶۷</sup>

واضح است که خدای متعال در این آیه بر دونکته به وضوح تاکید دارد: اول این که این صنعت را ما به حضرت داوود علی نبینا وآله و علیه السلام تعلیم دادیم و نه کس دیگر و دیگری آن که شما باید برای صنایع تعلیمی شکرگذار خدای متعال باشید زیرا این صنایع به نفع شماست و مثلاً در این مورد خاص زره شما را از ضربه شمشیر هموعانتان تا حدودی در امان نگه می دارد.

خدای متعال در آیه دیگری درباره رشد و تکامل صنایع در زمان حضرت سلیمان علی نبینا و آله و علیه السلام که آغازش در زمان پدر حضرت سلیمان ( حضرت داوود) صورت گرفته بود. آل داوود را به شکرگزاری برای نعمت صنایع پیشرفته تشویق می کند.

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَ تَمَاثِيلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ  
اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشُّكُورُ (سبأ ۱۳)

ب) عدم بطش جبارانه در تمتع از طبیعت

اگر از صنعت انتظار داریم کرامت انسان را حفظ کند انسان نیز باید در رفتار با مخلوقات خدای متعال کرامت خود را حفظ کند و وقتی از معادن خدا ماده معدنی استخراج می کند مانند جباران زمین محل معدن را نابود نکند و زیبایی ظاهر خلقت خدا را آسیب نزند.

استاد طاهر زاده می نویسد:

یک مسلمان صاحب بصیرت، همه چیز را جلوه‌ای از حقایق آسمانی می‌بیند و آن‌ها را نماد مستقیم جهان معنوی می‌شناسد و بیشتر دوست دارد با اشیایی به‌سر برد که نماد آن جهان هستند، و نه اشیایی که مصنوعی و ساخت امیال بشر بریده از آسمان است، حتی روی زمین به ملایمت گام برمی‌دارد تا در عین انس با طبیعت، مزاحم محیط پیرامون خویش نگردد. قرآن در وصف بندگان واقعی خداوند می‌فرماید: ( وَ عِبَادٌ

الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا... ) یعنی؛ بندگان خدای رحمان چون بر زمین قدم می‌زنند آرام و متواضعانه قدم می‌زنند.<sup>۶۸</sup>

وَ إِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ (۱۳۰ شعراء)

وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ (ق ۳۶)

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبِطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظَرُونَ (أعراف ۱۹۵)

در بسیاری تفاسیر بطش را اخذ(گرفتن) با شدت و قدرت معنا کرده اند اما با توجه با عبارت فنقبوا فی البلاد (منظور راه خروج های زیر زمینی ای است که به عنوان گریزگاه در شهر برای کاخ های پادشاهان حفر می شد و الان هم در بسیاری قلعه های باستانی میراث تاریخی دیده می شود) که در سوره ق آمده است و عبارت اید ببطشون بها ظاهرا به فعل گرفتنی که با دست با قدرت و شدت انجام شود اطلاق می شود . در این آیه که درباره قوم عاد نازل شده است که در قدرت جسمی بصط یافته بودند و مردمانی قدرتمند بودند نیز در واقع معنایش همان دست دراز کردن برای گرفتن چیزی و گرفتن با دست با شدت و قدرت است. از ادامه آیات و آیات گذشته که همه درباره افعال مادی و صنعی قوم عاد و نعمات مادی خدا بحث می کند بر می آید که این بطش در این جا به معنای بطش در برگرفتن نعمات است چه نعمات زیرزمینی مانند مواد معدنی و چه نعمات رزقی مانند میوه ها، پس در آیه بطشتم جبارین منظور این است که چرا زمانی که نعمتی ما را از درخت و خلقت بر می گیرید جبارانه برمی گیرید در صورت که در آیات متعدد آمده است که باید شاکرانه و مانند عبد بر گیرید تا خداوند افزون نماید و شما در مسیر حقیقت هدف خود پیش روید.

ج) هدفمند بودن با اهداف الهی و عبث نبودن :

انجام عمل عبث و بی منفعت در طریق تعالی انسانی به سخره گرفتن آفرینش الهی است. هر کاری که با معرفت و با غایت عقلانی و غیر مادی انجام نشود در تعالی انسان اثری ندارد و از نظر اسلام مطلوب نیست البته نباید این نکته اشتباه شود که اسلام تنها عبادت غیر مادی را کار می داند بلکه اسلام می خواهد با معرفت و آگاهی به همه افعال مومن رنگ الهی و عبادی بزند.

۶۷ علامه طباطبایی سید محمد حسین ، ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۴ ص

۶۸ طاهرزاده اصغر، فرهنگ مدرنیته و توهم ص ۸۶

علامه طباطبایی در باره تفسیر این آیه می نویسد:

کلمه ((ریع)) به معنای نقطه بلندی است از زمین، و کلمه ((آیت)) به معنای علامت و نشانه است و کلمه ((عبث)) به معنای آن کاری است که هیچ نتیجه و غایتی بر آن مترتب نمی شود. گویا قوم هود (علیه السلام) در بالای کوهها و نقاط بلند، ساختمانهایی می ساختند، آن هم به بلندی کوه، تا برای گردش و تفریح بدانجا روند، بدون اینکه غرض دیگری در کار داشته باشند، بلکه صرفاً به منظور فخر نمودن به دیگران و پیروی هوی و هوس، که در این آیه ایشان را بر این کارشان توبیخ می کند.<sup>۶۹</sup>

د) نگاه به خلقت به عنوان یک صنع حکیمانه و زنده و سعی در استفاده از ظرفیتهای مخلوقات خدا برای رفع نیاز:

نباید روحیه علوظلی و استعلا و استکبار نسبت به خدای متعال در زمینه صنعت افسار انسان را دست بگیرد. اگر چنین شد بشر چموش و عصیانگر به مخالفت با خدا بر می خیزد و می گوید چون خداوند خاک را آفریده و با آن به صنع پرداخته من دیگر از خاک استفاده نخواهم کرد و من از سنگ سیمان می سازم و با سیمان مصنوعات خود را می سازم و خداوند خواهد دید که مصنوعات من از او محکمتر خواهد بود. چنین بشری دیگر درک نمی کند که خاک همان سنگی است که در سالیان دراز فرسایش یافته و زیر آفتاب و باد برای بهره بردن همه موجودات زنده آماده سازی شده است. اگر بشر خاک را کنار بگذارد حیوانات و گیاهان خاک را کنار نخواهند گذاشت و چون استفاده از خاک برای خانه سازی حکیمانه تر و زیباتر و عاقلانه تر است همه ی حیوانات و گیاهان در خاک رشد خواهند کرد و خواهند بالید و بشر جاهل هم روزی همین سیمانهایی که برای خود ساخته است بر سرش خواهند ریخت و او را نابود خواهند کرد. خانه ی خاکی تخریب شدنش بسیار نرم و لطیف است و به کسی آسیب نمی زند ولی خانه سیمانی یک قاتل بالفطره برای بشری است که در آن زندگی می کند و هر لحظه ممکن است مانند سنگ های سجیل بر سر ساکنش بیارد. در حالی که کلوخ های نرم خاک توان آسیب زدن به انسان را ندارند. حال اگر بشر با سیمان خانه ساخت خدا ضرر می کند یا انسان؟ البته شکر خدا اخیراً در کتابهای

معماری جدید ندای معماری با خاک دوباره سر برآورده است و برخی مهندسين معماری که بویی از حکمت و عقلانیت برده اند پذیرفته اند که خاک برای معماری بهترین انتخاب است. به عنوان مثال کتاب معماری با خاک ۷۰ را ببینید.

استاد اصغر طاهرزاده در این باره می گوید:

یک کوزه را با یک بلوک سیمانی مقایسه کنید، کوزه گر کوزه را چگونه ساخته است؟ اول با زبان فطرت خود به خاک رُس گفته است که ای خاک! تو چه چیزها می توانی بشوی؟ خاک هم با زبان تکوینی خود به او می گوید: من می توانم برای تو کوزه بشوم و لذا این خاک با دستان هنرمند کوزه گر به صورت کوزه خود را ظاهر کرد، در واقع کوزه گر خاک را سرکوب نکرد، بلکه برعکس؛ به انکشاف کشاند، لذا خاک توانست خودش را به صورت کوزه ای ظریف نشان دهد و عملاً با این نوع برخورد کوزه گر با خاک، رازی از رازهای خاک نمایان شد و آن کوزه یکی از نقطه های اُنس شما با طبیعت قرار گرفت. حال به من بگو که آیا تمام این وسایل موزه ها که شما با نگاه کردن به آن ها، به عالم آرامش منتقل می شوید، این ها وسایل زندگی مردم بود یا این ها را برای موزه ها ساخته بودند؟ آیا غیر از این است که این ها وسایل زندگی مردم بوده است و مردم با آن ها زندگی می کرده اند؟ ولی مردمی که با طبیعت تعامل کنند از خاک، کوزه می سازند، نه بلوک سیمانی. یعنی بشرِ حکیم، طبیعت را برای زندگی خود، به صورت های زیبایی که بتواند با آن زندگی کند و از طریق آن رازگشایی کند در می آورد. به همین جهت می بینید اکثر مردم قدیم، به یک معنی هنرمندند، چون در تعامل با طبیعت به دنبال رازگشایی از آن بوده اند و ما تمام وسایل زندگی بشر قدیم را به عنوان هنر در موزه ها می گذاریم. از خود بپرسید که چرا این قدر روی این کوزه وقت گذاشته اند؟ چرا این قدر روی چوب این تخت وقت صرف کرده اند؟ چه چیزی از این تکه چوب انتظار داشته اند؟ همه این ها به جهت آن است که می دانستند این چوب اسراری دارد که می شود آن اسرار را به انکشاف آورد، و طوری اسرار آن را ظاهر کرد که بتوان با آن مؤانست داشت. بشر حکیم می دانست که زندگی یعنی مؤانستی قدسی با همه پدیده های اطراف خود، تا از طریق آن مؤانست و ارتباط با باطن این پدیده ها، عقل و قلبش به سوی عالم معنی اوج بگیرد، به همین جهت از وسایل زندگی و خانه خود خسته نمی شدند، تا تصمیم بگیرند دائم آن ها را تغییر دهند، و به سوی ناکجا آباد و همی همواره همه چیز را عوض کنند. امروزه ساختمان خانه ها را ملاحظه بفرمایید که چگونه فضاهای ساختمان ها با فشاری که

۶۹ علامه طباطبایی سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۵ ص

بر روح ما می‌آورند گویا فریاد می‌زنند که از ما بیرون بروید، چون آن ساختمان‌ها عامل انکشاف حقایق باطنی طبیعت نیست تا محل سکنی و آرامش باشد، بلکه بیشتر حاصل سرکوب طبیعت است<sup>۷۱</sup>... حالا در مقابل کوزه، بلوک سیمانی را در نظر بگیرید که حاصل سلطه بشر بر طبیعت است و نه حاصل تعامل بشر با طبیعت. اولین کاری که بشر مدرن با نوع برداشت امثال فرانسیس بیکن از طبیعت، انجام داد این بود که طبیعت را میراند. شما تفاوت خاک را با سیمان در نظر بگیرید. شما وقتی که به خاک نگاه می‌کنید با وقتی که به سیمان نگاه می‌کنید یک حالت ندارید، چون خاک محرم جان ماست. ما با آن زندگی می‌کنیم، صورت و جلوه تدبیر خدای حکیم است، می‌توانیم با آن به عنوان یک موجود زنده اُس بگیریم و معاشقه کنیم، در حالی که سیمان صورت مرگ است. بشری که همه طبیعت را مرده می‌داند، نمی‌فهمد طبیعت را کشته است چون از اول آن را مرده می‌دانست. خاک، صورت حیات است. بروید نگاه کنید که چگونه در کلاس‌های درس علوم، بشر را نسبت به فهم حیات طبیعت کور کردند. می‌گویند خاک که مرده است. حالا هر چه هم آن را حرارت می‌دهی، تغییری در حال آن ایجاد نمی‌شود. معتقدند مرده که مرده‌تر نمی‌شود. بعد شما می‌بینید طبیعتی که خاک آن تبدیل به سیمان شده، دیگر نمی‌تواند با شما ارتباط برقرار کند و زندگی در خانه‌های سیمانی، عرصه زندگی همراه با آرامش را بر ما تنگ می‌کند، بدون آن که علت آن را بدانیم<sup>۷۲</sup>.

اگر بگوییم که خب انسان هم ذوق و شوق خلاقیت دارد و خالقیت صفت خداست و خدا صانع است و خلیفه اش هم می‌خواهد عالمانه صنع نماید. در پاسخ باید گفت حکمت خلیفه الله در جواب به این سوال که این احسن صنع باید چگونه باشد خواهد گفت که چون خلقت خداوند علیم و حکیم در احسن شکل است پس باید این صنع جدید انسان هم مانند نمونه واقعی باشد. مثلا انسان می‌خواهد وسیله حمل و نقل بسازد غایت علمی این صنعت همان ساخت احسن وسائل نقلیه و حکیمانه ترین آنهاست که همان اسب است که خداوند پیشتر از باب رحمت و نعمت و کرمش برای بشر خلق کرده است و دیگر نیازی به صنع مجددش نیست.

امروزه تکنولوژی پیشرفته غربی به این نتیجه رسیده است که در باب ترجیح چرخ بر پا برای حمل و نقل اشتباه کرده است و پا از نظر مصرف انرژی و عدم نیاز به زیر ساخت بشرساز و گستره ی امکانی دسترسی

صاحبش در کره زمین برتر از چرخ است. برای نمونه و شاهد این ادعا پروژه های بیگ داگ<sup>۷۳</sup> و پت من<sup>۷۴</sup> که در شرکت بوستون داینامیکس صنایع دفاع آمریکا در حال ساخت هستند و پروژه های دانشگاه ای پی اف ال سوئیس<sup>۷۵</sup> را ببینید.

البته فراموش نکنیم که انسان نمی‌تواند طبق صریح قرآن حتی یک پشه بسازد چه رسد به اسب! پس بهتر است خضوع کند و علو طلبی ننماید و میل با صنعتش را در صناعت افعال و اعمال صالحه خویش به کار گیرد که همان طور که در احادیث آمده است اعمال صالح ما در دنیا معادلش در آخرت ساخت باغ ها و غرف بهشتی و نعمات بهشتی توسط فرشتگان است که صنع حقیقی انسان و تلاشش برای صنع باید معطوف به آن ها باشد.

داوود مهدی زادگان می نویسد :

بدون شک یکی از پیش فرض های فلسفی تکنولوژی مدرن آن است که از طریق کشف قوانین طبیعت می توان تکنیک مدرن را پدید آورد . طبیعت، تکنیک یا صنع الهی است که از قوانین قابل محاسبه ی عقلانی تبعیت می کند. پس کافی است با محاسبه و کشف این قوانین، مواد طبیعی را به گونه ای دیگر شکل بدهیم . شکل دادن های اجزای طبیعت بر مبنای قوانین خود طبیعت، تکنیک بشری است. زیرا در این شکل دادن و صورت پردازی مواد طبیعی، عقل بشری دخالت دارد و حاصل آن تکنولوژی یا هنر و صنعت آفرینش بشری است . در اینجا تکنولوژی بشری تابعی از تکنیک طبیعی یا صنع الهی است .

بشر هرگز قادر نیست قانون طبیعت را نفی نموده و قانونی خودبنیاد یا بشری را جایگزین آن نماید .نهایت توانایی عقل بشر در این جهان آن است که از قوانین طبیعت تبعیت نموده پدیده هایی مشابه تکنیک طبیعی ابداع کند، بنابراین، تکنولوژی طبیعی نسبت به تکنولوژی مدرن یا بشری، اصالت دارد .تکنیک بشری فرع بر تکنیک الهی است. حال می توان این پرسش را طرح کرد که کمال تکنولوژی مدرن به چیست؟ گفته شد که کمال تکنولوژی به آن است که فلسفه ی تکنیک در مقام بهره برداری معطوف به فلسفه ی وجودی تکنیک در مقام ثبوت یا پیدایش باشد؛ یعنی بنیاد مابعدالطبیعی (تکنولوژی پیرو) باید همان بنیاد فلسفی باشد که (تکنولوژی پیشرو) بر آن بنیاد پایه ریزی شده است . حال که تکنیک بشری تابع و پیرو تکنیک طبیعی یا تکنیک الهی است،

73 <http://en.wikipedia.org/wiki/BigDog>  
74 [http://www.bostondynamics.com/robot\\_petman.html](http://www.bostondynamics.com/robot_petman.html)  
75 <http://biorob.epfl.ch/>

۷۱ طاهرزاده اصغر، فرهنگ مدرنیته و توهم، ص ۶۵ و ۶۶

۷۲ همان ص ۷۳ و ۷۴



لاجرم کمال تکنولوژی بشری هنگامی تحقق می یابد که فلسفه ی وجودیش معطوف به بنیاد مابعدالطبیعی تکنولوژی الهی (طبیعت) باشد . پس کمال مصنوعات بشری در انسانی شدن نیست که در الهی شدن است. آن گاه که تکنیک بشری خداگونه شد، به کمال و غایت وجودی خود نزدیک شده است.<sup>۷۶</sup>

پیشتر در باب رعایت حقوق مخلوقات خدا در این باره مفصل گفتیم که صنعت باید حقوق حیوانات و مخلوقات خدا را به رسمیت بشناسد و با خلق خدا محترمانه تعامل نماید. اما صنعتگر نیز باید این بینش را عینا در خود تقویت و زنده نگه دارد تا صنعتی که طراحی می کند دچار انحراف نشود.

ه) پرهیز از خلود طلبی با صنایع و مخلوقات جدید :

و تَتَخَذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ( شعراء ۱۲۹)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد:

کلمه ((مصانع)) - به طوری که گفته اند - به معنای قلعه های محکم و قصرهای استوار و ساختمانهای عالی است ، که مفرد آن مصنع می باشد. و اینکه فرمود: ((لعلکم تخذلون)) در مقام تعلیل مطلب قبل است ، یعنی شما این قصرها را بدین جهت می سازید که امید دارید جاودانه زنده بمانید. و الا اگر چنین امیدی نمی داشتید هرگز دست به چنین کارهایی نمی زدید، چون این کارهایی که می کنید و این بناهایی که می سازید طبعاً سالهایی دراز باقی می ماند، در حالی که عمر طولانیترین افراد بشر از عمر آنها کوتاهتر است.<sup>۷۷</sup>

لعل عموماً از باب رجا استفاده می شود و این که خدای متعال در این آیه لعل آورده است به این جهت است که ساخت این قلعه ها و مصانع امید به جاودانگی را در سازندگان تقویت می کرده است، حال چه امید به جاودان ماندن خود و زندگی طولانی تر خود در این قلعه ها و چه امید باقی ماندن نام شان به عنوان سازندگان این قلعه ها که آن هم سطحی از جاودانگی است. امروزه نه تنها در باب بناسازی، بسیاری امید جاودان ماندن اسمشان را دارند بلکه از ثبت اختراعات و رکوردهای گینس و اسم گذاری بر فرمولها و قوانین الهی و نسبت دادن علمی که

خدا به آنها آموخته به خود در کتابهایشان نیز چنین انتظار و امیدی دارند و زهی خیال باطل .

جاودانه نشان دادن خود در قالب مصنوعات سنت رذیله ای است که از بسیاری شاهان و فرعون های زمانه یادگار مانده است و بسیاری از آثار تاریخی ای که در زمین به جا مانده است برای امید شاهان به خلود نامشان ساخته شده است غافل از این که خدای متعال نام ها را از بین برد و آثار را برای عبرت باقی گذاشت و بسیاری آثار تاریخی دقیقاً مشخص نیست به وسیله چه کسی فرمان ساخته شدنش داده شده است و اگر هم مشخص باشد بشر این عصر بیشتر از باب طراحی و مهندسی و جامعه شناسی و فرهنگ آن دوره به اثر نگاه می کند تا از دید عظمت امیری که فرمان ساخته آن را صادر کرده است اما متأسفانه چهل شیطنانی این وهم را بر شاهان پیشین باورانده بوده است.

نگاه صنعتگر امروز به طراحی اش باید مانند نگاهش به یک نعمت الهی که به الهام الهی ساخته شده است باشد و فاعل را خدا ببیند تا دچار رجای خلود از صنعتش نشود.

و) نگاه موحدان به صنعت و اعتقاد به فاعلیت خدا در ساخت

خدای متعال در قرآن کریم همه شئون مرتبط با صناعات اسلامی را از ناحیه خود ذکر می کند اعم از ساخت و وحی دستورالعمل ساخت و حرکت و سکونت. از طرفی در مورد گوساله ی طلایی سامری که یک صنعت شیطنانی است خداوند از ساخت آن به مایخرج سامری تعبیر می کند و با تعبیری چون ضلالت و سول نفس از جاهلانه و ظالمانه بودن آن می گوید و در نهایت به موسی امر می کند که گوساله را بسوزانند و خاکسترش را هم باد بدهند تا اثری از آن نماند.

صنعتگر مسلمان باید دارای توحید افعالی باشد و خداوند را صانع کل مصنوع بداند و برای خود شائیتی در خالقیت و صانعیت قائل نباشد و همه را از جانب خدای متعال انجام دهد و به دستورالعمل خدای متعال در ساخت عمل کند. و بداند صنایع شیطنانی که به الهام شیطان ساخته می شوند عاقبتی بهتر از گوساله ی طلایی سامری ندارند.

ز) نیازمحوری و نه خلاقیت محوری و ابتکار محوری

باید همواره به این نکته توجه داشت که ابزارهای زیاد در خانه انسان مایه ی پیشرفته بودن یک انسان نیست و اصولاً هر ابزاری در خانه

۷۶ مهدیزادگان داوود، مقاله ی دین، علم و تکنولوژی، آدرس اینترنتی مقاله : <http://www.bashgah.net/fa/content/show/3635>

رویت شده در آبان ۹۱

۷۷ علامه طباطبایی سید محمد حسین ، ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۵ ص ۴۱۹

انسان باید نشان از نیازی باشد و نه صرفاً برای تزیین خانه و یافتن فروشی به دیگر انسانهای ابزارگرا و تکنیک پرست. متأسفانه امروز بسیار دیده می‌شود که افراد در خانه‌ی خود بسیاری اسباب‌ها و وسایلی دارند که ناشی از نیازهای حقیقی نیستند و صرفاً بر مبنای این که رسانه‌ها در دوره‌ای با تبلیغات فربنده به شخص باورانده‌اند که بله فلان ابزار نیاز امروز توست و تو باید داشته باشی و انسان مسخ شده نیز این ابزار را تهیه کرده و احياناً چند روزی با آن در خانه خود را مشغول کرده و بعد که دیده است که نه، نیازی به آن ندارد آن را به گوشه‌ی انبار انداخته است. امروز برای اثبات کثی از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر عموماً دیگر یک وانت و یا نیشان کفایت نمی‌کند و حداقل یک کامیون ابزار و اثاث در خانه هر کس یافت می‌شود. به عنوان مثال در دوره‌ای در همین مملکت تبلیغات تلویزیونی زیادی برای فروش ابزاری به نام آتروپات صورت گرفت و بسیاری از مردم هم جاهلانه این وسیله را خریداری کردند و چند روزی از آن استفاده هم می‌کردند اما بعد متوجه شدند که به این وسیله نیازی ندارند. البته قصد حقیر تحقیر این ابتکار و خلاقیت سازنده‌ی آتروپات نیست بلکه بحث بر سر این است که اگر نیازها محور صنعت نباشند در آن صورت اگر همه مردم هم به کارهای صنعتی روی آورند باز هم برای تولید مخلوقات ذهنی انسان‌ها کفایت نمی‌کند هر انسانی ده‌ها ابزار خیالی به ذهنش می‌رسد و در ذهن خود نیز برای آنها بلافاصله نیاز می‌تراشد و چه بسا با گرفتن وامی بسیاری را به تولید این ابزارها بگیرد در حالی که اصولاً این وسیله و ابزار جزو نیازهای صنعتی و ابزاری حقیقی بشر نبوده است. در هر حال باید برای نیازهای صنعتی بشر شاخص‌ها و اصولی تعیین شود و یقیناً این نیازها هیچ‌گاه به حدی گسترده نخواهند بود که همه ملت به بخش صنعت روی آورند. بلکه هر قدر ملت از بخش صنعت به بخش کشاورزی مهاجرت کنند از نظر اسلام مطلوب‌تر است و در اسلام شغل مطلوب برای بشر کشاورزی یاد شده است:

خیر الاعمال الحرث، ما فی الأعمال شیءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الزَّرْعَةِ، وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَرَعًا إِلَّا إِدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ كَانَ حَيَّاطًا،<sup>۷۸</sup> ان استطعت ان لا يكون بينك وبين الله ذو نعمة فافعل<sup>۷۹</sup>

۷۸ الکافی ج ۵ باب فضل الزراعة، نسخه اینترنتی سایت آیت الله مکارم

شیرازی:

<http://makarem.ir/websites/farsi/library/book.php?bi=37&itg=12&s=ca>

علت هم پیش‌تر اشاره شد که درس‌های متنوع و گوناگون الهی موجود در کشاورزی است که به صورت عملی به انسان می‌آموزد. البته مقصود از کشاورزی، کشاورزی حکیمانه و عابدانه است نه کشاورزی‌های حریصانه و عجولانه و ظالمانه که متأسفانه امروزه به نام کشاورزی صنعتی و علمی مطرح است.

پرهیز از ساختن بدون در نظر گرفتن نیاز و فقط ساختن برای ساختن و خلق کردن یکی از مهمترین نکاتی است که در صنعت اسلامی باید به آن توجه شود.

استاد طاهر زاده می‌گوید:

انسان وقتی هدف خود را شناخت از وسایل در آن حدی که او را به اهدافش نزدیک کند به خوبی استفاده می‌کند، و دیگر موضوع بهترین یا بدترین وسیله مطرح نیست، بلکه وسیله خوب برای انسان آن وسیله‌ای است که او را در رسیدن به هدف یاری کند. در این‌جاست که اگر وسیله‌ای او را مشغول خودش کرد تصمیم می‌گیرد از آن وسیله فاصله بگیرد، دیگر به خود وسیله فکر نمی‌کند به هدف فکر می‌کند، در این صورت اگر به ما بگویند درست است که شما برای ساختن خانه با همین نوع آجر و کاشی می‌توانی خانه خود را بسازی، ولی آجر و کاشی بهتری هم هست، شما می‌پرسید بهتر برای چه؟ اگر من می‌توانم با این آجر و کاشی به مقصد خود برسیم دیگر بهتر به چه معنی است؟ آری اگر مقصد من و شما داشتن بهترین کاشی و آجر است، باید دائماً به دنبال بهترین باشیم. ولی اگر مقصد ما ساختن خانه مناسبی است که بتوانیم در آن زندگی کنیم، دیگر بهترین معنی ندارد، بهترین همان است که من بتوانم از آن به مقصد خودم که چیزی بالاتر از داشتن بهترین ابزار است، برسم. اما و صد اما اگر خدا گم شد، بهتر داشتن دنیا مقصد انسان می‌شود، اعم از بهتر داشتن خانه یا ماشین، چون خود بهتر داشتن مقصد است، اما نه خدایی که بهترین مقصد است. خاستگاه فکری و فرهنگی تکنولوژی موجود ریشه در بهتر داشتن ابزارها دارد و گرنه بسیاری از وسایل موجود زائد است و انسان‌ها را تنبل و زندگی‌ها را پیچیده کرده است. کمپانی‌های بزرگ تولیدکننده وسایل زندگی متوجه چنین نقطه ضعفی در بشر بریده از خدا شده‌اند و لذا با انواع تغییرات و هم‌پسند به راحتی کالاهای خود را بر روح و روان مردم تحمیل می‌کنند و با ایجاد نیازهای کاذب زندگی بشر را تحت سیطره انواع تکنولوژی‌ها قرار داده‌اند. راستی

اگر مشکل شما با این ظرف مرتفع می‌شود، به من و شما چه مربوط است که مُد جدیدی از این نوع ظرف در بازار آمده است.<sup>۸۰</sup>

استاد سید مهدی میرباقری درباره نوآوری در تمدن اسلامی می نویسد :

نوآوری حتماً باید چند شاخصه داشته باشد: اولین شاخصه‌اش این است که باید در جهت تعبد باشد؛ یعنی تعبد در آن حاکم باشد، چرا که اگر نوآوری مبتنی بر تعبد نباشد به کار تمدن اسلامی نمی‌آید؛ به ویژه اینکه نوآوری در جهان زیاد است! دوم این که نوآوری باید قاعده‌مند باشد؛ یعنی اصول تفاهم علمی با نخبگان را در هر حوزه‌ای داشته باشد. اگر در حوزه فقهات یا در حوزه دانش‌های تخصصی و یا در حوزه مفاهیم بنیادی است، باید با مردان میدان آن حوزه، قدرت تفاهم داشته باشد و خلاصه اینکه کاملاً قاعده‌مند و منضبط باشد. سوم این که نوآوری باید کارآمد باشد؛ یعنی حتی در نظری‌ترین محدوده‌ها اگر سخن می‌گوییم باید تلاش کنیم که در همان محدوده کارآمدی داشته باشد و به بحث‌های نظری محض و خالی از غایت عملی تبدیل نشود. بنابراین، ما با این سه شاخصه نیاز به نوآوری داریم.<sup>۸۱</sup>

البته این شاخص‌ها بیشتر در باب نوآوری نظری طرح شده است اما شکی نیست که نوآوری‌های صنعتی و فناوری هم باید در جهت عبودیت و رفع نیازهای انسان مسلمان و نه انسان لیبرال مترف و متکائر باشند.

ح) اعتقاد به قویتر بودن سنت‌های الهی از ابزارهای بشری:

وقتی انسان از رابطه تکوین با تشریح در عالم هستی غافل شد و گمان کرد نظام الهی نسبت به هر فکر و عملی بی‌تفاوت است، بدون رعایت هیچ محدودیتی به هر اقدامی دست می‌زند و تلاش می‌کند هر تصویری را که در خیال خود دارد در خارج از خیال صورت عملی بدان پیوشاند، تنها مانع عملی نشدن صورت‌های وهمی خود را نداشتن ابزار مناسب می‌داند و لذا اگر توانست ابزار مناسب آن را بسازد دیگر بدون هیچ فکری دست به اقدام می‌زند. با چنین روحیه‌ای ماشین‌های غول‌آسا و اسلحه‌های مخوف ساخته شد، تا به وسیله‌ی ماشین‌های غول‌آسا هر کار خواستند در تغییر نظام طبیعت انجام دهند و با اسلحه‌های مخوف هر ملتی را که خواستند نابود کنند. غافل از این که در اوج رسیدن به امیال خود، با سنن الهی روبه‌رو می‌شوند<sup>۸۲</sup>... این که به راحتی هر ماشینی را

۸۰ طاهرزاده اصغر، فرهنگ مدرنیته و توهم، ص ۳۲

۸۱ وبلاگ آثار سید مهدی میرباقری رویت شده در آبان ۹۱: <http://mir7.blogfa.com/post-2.aspx>

۸۲ طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص ۱۵۱

می‌سازند و به عواقب زیست‌محیطی آن فکر نمی‌کنند و سعی می‌شود هر روز با اسلحه‌های مخوف‌تر ملت‌ها را مرعوب کنند، به جهت غفلت آنها از حضور سنن الهی در هستی است.<sup>۸۳</sup>

ط) فروش فناوری به اهل آن :

آیت الله جوادی آملی در کتاب اسلام و محیط زیست چنین می نویسد :

این یک دستور اسلامی انسانی است که اجازه نمی‌دهد کسی از فرصت تلخ سوزندگی و گدازندگی زمان جنگ، سو استفاده کند یا زمینه تخریب و آدم‌کشی را با فروش اسلحه‌های تهاجمی فراهم سازد یا با تبعیض و جانبداری از نژاد خاص یا صنف مخصوص یا حزب معین یا دسته‌ی مشخص و مانند آن، سبب برتری و افزون‌خواهی گروهی را بر گروه دیگر تأمین نماید و در نتیجه استکبار را تقویت کند، بلکه یک انسان آزاده و رهای از بند آرزو و دام حرص و زنجیر زراندوزی و تله طمع‌ورزی موظف است به منظور پاسداری از خون انسانهای هم‌نوع و جلوگیری از تخریب و تهاجم و ویرانی به هر دو گروه درگیر و رزمجو بفروشد، نه به یک گروه و آن هم سلاح دفاعی، نه تخریبی، لذا حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: ((بعهما ما یکنهما؛ الدرع و الخفین و نحو هذا)) یعنی به هر دو گروه آنچه حافظ و نگهبانشان است و کانون پاسداری و صیانت از خونریزی است مانند زره و ... بفروش.<sup>۸۴</sup>

در جای جای احکام فقهی اشاره شده است که مومن باید بدانند طرف معامله او کیست و شناخت طرف مقابل مسئولیت زاست و معامله با برخی افراد حرام و یا فروش برخی فناوری‌ها به برخی حرام است.

نتیجه‌گیری :

آنچه در این مقاله با شما عزیزان طرح و بررسی شد بخشی از مسائلی است که از سال ۸۷ تا ۹۱ دغدغه‌حقیق بوده است و در این مقاله برخی یادداشت‌های قرآن محور حقیق جمع‌آوری و به همراه احادیث و نظرات ارزشمند علما و متفکرین معاصر جهان تشیع مجموعاً خدمت شما عزیزان ارائه شد. ان شاء الله خدای متعال صنعت ما را صنعتی اسلامی و الهی و توحیدی و فن‌آوران این مرز و بوم را فن‌آوران قرآنی قرار دهد و مجاری انرژی و ابزارهای در دست مردم ما نیز مرضی رضای خدای تعالی قرار گیرد به برکت صلوات بر محمد و آل پاک و مطهر و معصومش.

۸۳ همان ص ۱۵۳

۸۴ جوادی آملی عبدالله، اسلام و محیط زیست ص ۱۴۱

باقی مقالات:

در مقالات بعدی ان شاء الله به موضوعات زیر خواهیم پرداخت.

- ۱) دسته بندی صنایع اسلامی و نیازهای ابزارهای مسلمانان
- ۲) نظام و صنعت توزیع آب اسلامی
- ۳) صنایع نظامی اسلامی

۴) صنایع مسکن سازی و شهرسازی اسلامی

۵) صنایع کشاورزی و صنایع غذایی اسلامی

۶) صنایع حمل و نقل اسلامی

۷) نظام جریان انرژی در صنعت اسلامی و جامعه اسلامی

۸) بحث درباره آیه واستعمرکم فیها و عمارت در زمین

پیشنهادات :

۱) پیشنهاد تشکیل شورای فقهی صنعت، فناوری و انرژی مرکب از فقهای صاحب نظر در بحث صنعت در قرآن و حدیث

۲) تصویب نقشه جامع فن آوری و صنعت اسلامی در شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی

۳) ابلاغ سیاست های کلی بخش صنعت توسط امام خامنه ای به همه مسئولان و دست اندرکاران صنایع کشور

۴) تاسیس کرسی هایی برای درس صنعت اسلامی در حوزه و دانشگاه

۵) تعریف درس صنعت اسلامی به عنوان درس اجباری برای دانشجویان رشته های مهندسی

تشکر و تقدیم :

از همه برادران عزیزی که با مطالعه این مقاله در بهتر شدن و متقن تر شدن متن حقیر را یاری کردند متشکرم و برای همه آرزوی توفیقات اسلامی روزافزون دارم.

این مقاله را تقدیم می کنم در وهله اول به کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و خاندان مطهر اهل بیت عصمت و طهارت و خصوصا امام زمان ارواحنا لتراب مقدمه الفدا و سپس حضرت امام خمینی و حضرت امام خامنه ای و شهدای دفاع مقدس خصوصا دایی شهیدم عبدالله خسروی و به پدر و مادر و همسر عزیزم و همه اساتیدی که در رشد علمی حقیر سهمی داشته اند. امید است مرضی خدای متعال قرار گیرد. آبان ۹۱ الظلوم الجهول الحقیر محسن بهرامی

منابع:

- ۱) قرآن کریم
- ۲) امام علی ابن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، گردآوری سید رضی
- ۳) جعفری محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۲۵
- ۴) جعفری محمد تقی، فلسفه دین، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی اندیشه ۱۳۷۵
- ۵) رضایی عبدالعلی، تحلیل ماهیت تکنولوژی، انتشارات مجنون، ۱۳۸۳
- ۶) طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی، انتشارات لب المیزان، چاپ .. اصفهان ۱۳۸۷
- ۷) جوادی آملی عبدالله؛ اسلام و محیط زیست، نشر اسراء، چاپ سوم، قم ۱۳۸۶
- ۸) جوادی آملی، عبدالله؛ ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، چاپ هفتم، نشر اسراء، قم
- ۹) موسوی خمینی روح الله، صحیفه نور، جلد ۱۸
- ۱۰) طباطبایی سید محمد حسین؛ تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، نسخه اینترنتی: سایت ghadeer.org
- ۱۱) چمران مصطفی؛ بینش و نیایش انتشارات: دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ: ۱۸ سال چاپ: ۱۳۸۷
- ۱۲) حسینی خامنه ای سید علی؛ بخش بیانات سایت دفتر و حفظ و نشر آثار ایشان <http://khamenei.ir>
- ۱۳) هفته نامه صبح صادق؛ شماره ۴۷۶، تهران سال ۱۳۸۹
- ۱۴) مجله میلغان؛ شماره ۱۰۰، قم بهمن و اسفند ۱۳۸۶
- ۱۵) شریعتی علی؛ ویژگیهای قرون جدید، دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار، تهران، تابستان ۶۷
- ۱۶) شریعتی علی؛ تاریخ تمدن، ج ۲ انتشارات قلم، تهران، ۱۳۷۵
- ۱۷) مطهری مرتضی، تکامل اجتماعی انسان، نسخه نرم افزار مطهر ۳،۱ مؤسسه نرم افزاری نور
- ۱۸) مطهری، مرتضی؛ ده گفتار، چاپ پنجم، صدرا، تهران ۱۳۶۸
- ۱۹) مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، چاپ ششم، صدرا، تهران، ۱۳۷۵
- ۲۰) مکارم شیرازی ناصر، حکومت جهانی مهدی (عج)، قم: انتشارات نسل جوان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۰
- ۲۱) اسلامی ندوشن محمد علی؛ گفتیم و نگفتیم، انتشارات یزدان

- ۲۲) زنجانی، احمد؛ الکلام یجبر الکلام، چاپ سوم، انتشارات حق بین،  
قم ۱۳۶۸، ج ۱
- ۲۳) مبتکر سربای اسفندیار، اشتیاق حضور، نشر نماز، ستاد مرکزی اقامه نماز،  
چاپ اول مهر ۱۳۸۰
- ۲۴) یوسف حسن، احمد و رهیل، داند؛ تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی،  
مترجم ناصر موفقیان، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول تهران ۱۳۷۵
- ۲۵) مجموعه ورام، ج ۱ بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۵
- ۲۶) دوتیه، ژان، معماری با خاک یا آینده‌ی سنتی هزاران ساله،  
ترجمه‌ی محمد احمدی نژاد، نشر خاک، تهران ۱۳۸۵.
- ۲۷) کتاب مبانی نظری و عملی مهندسی مکانیک در تمدن اسلامی  
،الجامع بین العلم و العمل النافع فی صناعة الحیل، تألیف: بدیع  
الزمان ابن العز بن اسماعیل الجزری ترجمه و تحشیه: محمد جواد  
ناطق، حمید رضا نفیسی، سعید رفعت جاه ناشر: مرکز نشر  
دانشگاهی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰